

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۷

جمعه ۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

بیست سال پس از جنایت تروریستی "یازده سپتامبر"

شهاب بهرامی

جنایت حمله به برج های دوقلوی نیویورک در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و کشتار حدود چهار هزار انسان بی گناه تنها در چند دقیقه، نه تنها جنایت علیه کل بشریت بلکه سرآغاز جدال جهانی و خونین دو جبهه تروریستی دولتی غرب، به زعامت آمریکا و تروریسم اسلام سیاسی بود. استفاده از صدها مسافر هواپیما به مثابه بمب های انسانی و کوبیدنشان به ساختمان های تجاری که محل کار هزاران انسان است فقط از عهده این دو جبهه تروریستی و جانی برمی آید. همانگونه که فاشیستهای هیئت حاکمه آمریکا بمب بر سر مردمان هیروشیما و ناکازاکی و کامبوج و ویتنام می ریختند، اسلاميون نیز مردم بی دفاع را کشتار می کنند.

جدال این دو نیروی ضد بشری اما ریشه در شرایط تاریخی دوران پسا جنگ سردی و فرو ریختن دیوار برلین دارد. در جهان تک قطبی پس از فرو پاشی بلوک شرق و آغاز "نظم نوین جهانی" نیاز به شیطان جدید یا دشمنی جدید بود تا توجیه پذیر شدن ژاندارم جهانی و استراتژی حاکمیت بلامنازع آمریکا بر جهان را ممکن سازد. این استراتژی با حمله

طالبان را که یک باند گانگستری مواد مخدر بود را به اضافه مجاهدین افغان به کمک عربستان و پاکستان ساختند که افسارشان دست خودشان بود. حمله ماه اکتبر آمریکا و انگلیس در همان سال به افغانستان پس از حمله یازده سپتامبر نیز با جنایات بسیار همراه بود. به بهانه مبارزه با طالبان بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی افغانستان، به اضافه هزاران پل و جاده و کارخانه را منهدم کردند. آنروز که تروریستهای اسلامی افسار بردند و به

ادامه در صفحه ۲



در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

بیست سال پس از جنایت تروریستی "یازده سپتامبر". شهاب بهرامی ۱ و ۲

این جهاد نیست انقلاب علیه جهاد گران است! سیاوش مدرسی ۳

کارگران نیشکر هفت تپه نظارت شورایی را اجرایی میکنند. میزگرد ۴، ۵ و ۶

کانال جدید با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه

حکومت اعدام در منگنه جنبش دادخواهی. حسن صالحی ۷

تهدیدات فرمانده نیروی سپاه نشانه استیصال حکومت است. عبدالگلپریان ۸

در بزرگداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز. سخنرانی حمید تقوائی ۹

حکومت کاری جدی برای مقابله با کرونا نمی کند! محمد شکوهی! ۱۰ و ۱۱

گزارش کنفرانس اعضای حزب کمونیست کارگری در آمریکای شمالی. بابک یزدی ۱۲

سال جدید تحصیلی؛ چالش پیشروی دانشجویان، دانش آموزان و معلمان. امیر عسگری ۱۳

از مدیای اجتماعی حزب ۱۴ و ۱۵

گزارشات ۱۶، ۱۷ و ۱۸

اطلاعیه های حزب ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



شهاب بهرامی

مراکز غربی حمله ور شدند، آمریکائی ها برای رودروئی با این هیولای دست ساز خود و خاموش کردن آن، نیازی به نابودی زیرساخت های اقتصادی و آوارگی و رنج و مشقت میلیونها افغانستانی در این کشور نداشتند اما سیاست ایجاد رعب و وحشت و تمکین کردن به اراده ماشین سیاسی- نظامی غرب و دفاع ظاهرا مشروع از خود به بهانه حمله تروریستی یازده سپتامبر در خود خاک آمریکا، مجوز هر گونه اقدام نظامی و کشتار جمعی را فراهم نموده بود.

هدف غرب و اینجا به طور ویژه هیئت حاکمه آمریکا نه نابودی هیولای اسلام سیاسی و جمع کردن دهها و صدها گروه مسلح اسلامی و نه حتی دولت های موسوم به اسلامی است بلکه تحمیل هژمونی اقتدارگرایانه خویش به آنها و مطیع کردنشان به مقررات بازی ای است که غرب وضع کرده است.

عروج انقلابی مردم ایران در سال ۸۸ و به دنبال آن موج انقلابات موسوم به بهار عربی به غرب نشان داد که برای مبارزه با این پتانسیل عظیم آزادی خواهی و چپ در این مناطق نیاز به باز سازی این جنبش ضد انسانی در جغرافیای وسیع خاورمیانه و آفریقای شمالی، از منظر منافع استراتژیک و داعش است. عروج القاعده و داعش و به قدرت رساندن دوباره امروز طالبان و کرنش با اسد و جمهوری اسلامی به عنوان پدرخوانده اسلام سیاسی- داعشی در چهارچوب این اهداف معنی میدهد.

بیست سال پیش در چنین

» جدال امروز، دیگر جدال بین دو جبهه ارتجاعی و تروریستی غرب و وحوش اسلامی نیست. جدال میان نیروی سوم یعنی مردم آزادیخواه و به ستوه آمده از بربریت نوینی است که قرار بود دنیای تک قطبی پسا جنگ سردی باشد. این نیرو در ابعاد میلیونی بر علیه حمله نظامی به عراق به خیابان ها آمد. این نیرو بهار عربی را سازمان داد. این نیرو در سال های ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ پدر خوانده مافیای اسلامی در تهران را به تب مرگ رساند و این نیرو امروز دارد در افغانستان خود را برای به دست گرفتن سرنوشت خویش آماده می سازد. «



سکولاریستی و سوسیالیست در بطن این جوامع خواهد بود که نشانه های آن امروز دیگر امری معرفه است. پر واضح است که جنبش سرنگونی طلبانه و جنبش کارگری ایران با داشتن حزبی چون حزب کمونیست کارگری، بالقوه امکان به زیر کشیدن حکومت مافیای اسلامی در ایران را دارا است. شکست جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب کارگران و مردم ایران، شرط اضمحلال و فروپاشی جنبش اسلام سیاسی در منطقه و بالاخص در افغانستان خواهد بود.

۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

خیابان ها آمد. این نیرو بهار عربی را سازمان داد. این نیرو در سال های ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ پدر خوانده مافیای اسلامی در تهران را به تب مرگ رساند و این نیرو امروز دارد در افغانستان خود را برای به دست گرفتن سرنوشت خویش آماده می سازد.

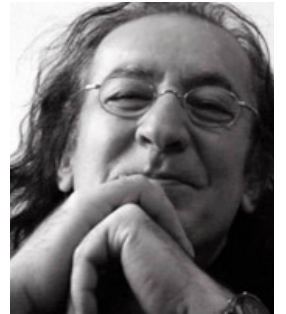
به نظر می رسد که غرب سیاست عقب نشینی از رودروئی مسلحانه و همزیستی کجدار و مریض با این ارتجاع سیاه را پیشه کرده است اما هر تعریف و تبیینی که غرب از اوضاع سیاسی و ژئوپولیتیک منطقه داشته باشد، یک مسئله مسجل است و آن عروج جنبش های

افغانستان و در صف اول زنان آزادیخواه افغانستان با گفتن "نه" به طالبان و "نه" به نقشه های ضد انسانی دول غرب و پاکستان نشان دادند که اینبار غرب و طالبان با جدالی سخت و پیچیده طرف خواهند بود.

جدال امروز، دیگر جدال بین دو جبهه ارتجاعی و تروریستی غرب و وحوش اسلامی نیست. جدال میان نیروی سوم یعنی مردم آزادیخواه و به ستوه آمده از بربریت نوینی است که قرار بود دنیای تک قطبی پسا جنگ سردی باشد. این نیرو در ابعاد میلیونی بر علیه حمله نظامی به عراق به

روزهایی با حمله گسترده نظامی طالبان را برجیدند. امروز پس از بیست سال آمریکا و متحدین غربی اش دوباره طالبان را برای رسیدن به امیال و نقشه های پلید و ضد بشری خویش دوباره بر اریکه قدرت نشانده اند. طالبان اما همان طالبان است و سیاست های امپریالیستی دول غربی همان سیاست ها است. افغانستان دوره یازده سپتامبر نیست. مردم افغانستان هم آن مردم مستاصل و متوهم و سرگشته آندوره نیستند. از همان فردای سرازیر شدن گله های وحوش طالبان به کابل و دیگر مراکز این کشور، مردم

این جهاد نیست انقلاب علیه جهادگران است! مردم باید صدا بدهند چه مرد! چه زن!



سیاوش مدرسی

دگرگون شد. جنبش رهایی از قید طالبان که میهوت و وحشت زده پا به فرار و یا خانه نشینی نهاده بود با همت زنان آزاده کابلی بیباخت، خیز برداشت خیابانها را با فریاد آزادی خواهی تسخیر کرد، بر چهل سال جنگ، بمباران، سربریدن و سنگسار تاختند، کمر راست کردند و به میدان آمدند.

از چند صد زن به هزاران نفر زن و مرد رسیدند، جنبش از هرات آغاز، به کابل رسید. از کابل به مزار شریف و بلخ به نیمروز و غور در غرب رفت و سراسر افغانستان را پوشاند. از کابل به تهران و مشهد رسید، از کابل به لندن و نیویورک و تمام پایتخت ها و شهرهای جهان توسعه پیدا کرد.

امروز دیگر نهضت ضد بشری و کثیف اسلام سیاسی به رهبری طالبان در افغانستان چشم در چشم و سینه به سینه دشمنان دیرینش یعنی جنبش رهایی زن ایستاده است و جنبش رهایی زن چه پیروز و چه عقب نشینی کرده، میرود که مهر خود را بر رویدادها و آینده جامعه افغانستان و منطقه بکوبد.

حالا دیگر فریاد دادخواهی، فریاد اعتراض جنبشی را که زنان در افغانستان آغاز کردند مردان را هم جسور کرده و به میدان کشاند است و در زیر رگبار سلاح های اهدایی ارتش آمریکا به طالبان متحدانه فریاد میزنند که: "مردم باید صدا بدهند چه زن! چه مرد!" و از تمام مردم آزادیخواه جهان و نهادهای انسان دوست میخواهند که دول فخیمه دمکراسی در جهان را تحت فشار قرار دهند و از کمک و به رسمیت شناختن حکومت فاشیستی طالبان دست بردارند.

زن در مقابل دوربین خبرنگاران با خشم فریاد میزند: «آمریکا، اشرف غنی خائن و دولتش، زنان و جامعه را غافلگیر کردند». شاید این دقیقترین و جامعترین تحلیل از رویدادهای امروز افغانستان درست در زمانی باشد که از پارلمان آمریکا گرفته تا اتحادیه اروپا تحلیلگران رنگارنگ و پاپاراتسیهای پلاسیده در رسانه های جهان مشغول بررسی پایه های روانی «جاخالی دادن یکپوئی!» دولت بایدن و ملامت عوامفریبانه او هستند. شاید این واقعی ترین تحلیل از رابطه «جبهه متحدین» یعنی دولت آمریکا، پاکستان، طالبان و دولت اشرف غنی علیه زنان و جنبش آزادیخواهی در افغانستان باشد.

زیر عریبه های "میجنگم! میجنگم!" اشرف غنی شهرها به لمپنهای موتور سوار طالبان واگذار شده اند، سلاحها، هواپیماها و کلیه تجهیزات سرکوب آمریکایی و متحدین به طالب منزوی تحویل داده شد و تمام این برنامه از پیش طراحی شده فقط و فقط برای غافلگیر کردن جنبش زنان، جامعه و مدنیت و بستن راه اعتراض در افغانستان به سرعت اجرایی شد تا دولت پوشالی طالبان اما به اصطلاح مقتدر در توازن قوای منطقه ای و جهانی به عنوان دوست و متحد غرب تثبیت شود.

اما باید از مسئولان ایرانی این سوال را پرسید اکنون با چه رویی می خواهند در کنار پاکستانی های سرکوبگر در مراسم حضور بیابند.

امروز کشمکش در هر دو سو و تدارک مواج های آتی در افغانستان، منطقه و جهان ادامه دارد.

به اصطلاح دولت فراگیر طالبان نقداً تمام باندها و مافیاهای زیر مجموعه اسلام سیاسی، بجز شیعیان در حال شکل گیری است. تمام باندها ظاهراً سهم گرفته اند و زیر پرچم طالبان همه اوباش مذهبی جمع شده اند حقانی، پسر ملا عمر و ... و ...

و در سوی دیگر، جبهه بشریت آزادیخواه، مدافع حقوق زن، برابری طلبی در سراسر جهان علیه جبهه تروریستهای دولتی آمریکایی و سرمایه داری و غیر دولتی طالبان و حقانی و خامنه ای و ..

ما به این جبهه تعلق داریم.
۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

ابتدا در تأیید طالبان و امروز در وحشت خطر دولت طالبان چرتکه می اندازند تا جایی که روزنامه مرتبط با مافیای معروف به اصلاح طلبان در روزنامه اعتماد شماره ۵۰۱۹ از قول یک کاربر مینویسد:

"کاربران ایرانی با اشاره به سابقه حمایت جمهوری اسلامی ایران از شهید احمدشاه مسعود فقید و رابطه نزدیک او با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از آنچه بی عملی تهران در قبال تحولات افغانستان خواندند، انتقاد کردند." و دولت رئیسی را به وفاداری به قاسم سلیمانی و به دفاع از پسر احمد شاه مسعود در برابر طالبان فرا میخواند.

روزنامه دیگر این فرقه، آرمان ملی شماره ۱۲۰۲ در نقد دولت رئیسی و کیهان خامنه ای مینویسد: «سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفته اند و بدتر از همه اینکه طالبان از آن ها رسماً برای حضور در مراسم دولت خود خوانده شان دعوت کرده البته که روس ها گفته اند در این مراسم اگر از آن ها دعوت شود حضور می یابند

ر بوده. این جنبش جهاد نیست، انقلاب علیه جهادگران است! این جنبش جامعه انسانی علیه بربریت قرون وسطایی مذهب و تمام شعب و زیر مجموعه های آن است، این جنبش صلح و گفتگو برای متحد کردن یاران دیروزشان برای برپایی به اصطلاح صلح نیست، صلح با امثال طالبان و متحدین سابق و امروزشان ممکن نیست! اینها معنی صلح را نمی فهمند اگر کشتار نکنند، سنگسار نکنند، چشم در نیاورند، یک روز دوام نمی آورند و مضمحل خواهند شد.

اما اوضاع ملتهد در افغانستان معادلات منطقه ای را هم برهم زده است، چیرگی منطقه ای و هم پیمانی دول سر به سنی های پاکستان، قطر و ترکیه زیر چتر حمایتی آمریکا، صدای جبهه روسیه، دولت اسلامی تهران و متحدینشان را درآورده است.

سران رژیم اسلامی تهران که پیش از این لشکر فاطمیون را از شیعه های افغانستانی سازمان داده بود، سرگردان

کارگران نیشکر هفت تپه نظارت شورایی را اجرایی میکنند

متن گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه در برنامه خط رفاه در کانال جدید - ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ - ۸ سپتامبر ۲۰۲۱

خود کارگران داده شود. تا چه حد این مساله میتواند راه حلی برای حفظ نیشکر هفت تپه باشد. نفع آن برای کارگران چه میتواند باشد؟

کاظم نیکخواه: طرح سهیم کردن کارگران در مالکیت کارخانه و شرکت یک الگوی بسیار شناخته شده در دنیاست که تحت عناوین مختلف از جمله بنام "کنترل کارگری" و امثال اینها از قرن پیش در جاهایی به آزمایش گذاشته شد و همه جا نشان داده شده است که کاملاً

توهم آفرین و به زبان کارگران است. سهیم کردن کارگران در مالکیت شرکت و پنجاه پنجاه و امثال اینها که در کشورهای مختلف و در دوره های متفاوت اشکال مختلفی بخود گرفته تلاشی است برای تبدیل کردن کارگران به سیاهی لشکر سرمایه داران و در یک کلام باید بگوییم برای کارگران بسیار زیان آور است و مطلقاً باید جلوی آن بایستند و تا آنجا که من خبر دارم کارگران نیشکر هفت تپه خوشبختانه فریب آنرا نخورده اند و با آن مخالفت کرده اند. پنجاه و پنجاه شدن مالکیت شرکت عملاً بعد از مدت کوتاهی کارگران را مقابل هم قرار میدهد در صفوف کارگران تفرقه ایجاد میکند، مسئولیت دولت را در قبال زندگی کارگران کنار میزند و کارگران را مسبب مشکلات کارخانه قلمداد و معرفی میکند. روشن است که کارگران حق دارند جمعا مالک شرکت و کارخانه ای باشند که بدست خودشان ساخته شده است. اما نمیخواهند و نباید بخواهند که به سیاهی لشکر سرمایه داران تبدیل شوند. یک سیستمی هست که سرتاپایش دست سرمایه داران و دولت آنهاست، واردات، صادرات، خرید، فروش، بازار، پول، ابزار و همه اینها در دست سرمایه داران و دولت آنهاست، و آنها همه چیز را کنترل میکنند و در مورد آنها که چگونه پیش برود تصمیم میگیرند و بعد کارگر را

ادامه در صفحه ۵



مقابل سنگر در قبل یا بعد از کار در هر روز تاکید کرده اند. ضمن اینکه یک رکن مهم این نظارت مجمع عمومی ماهانه کارگران خواهد بود که در آن نمایندگان کارگران گزارش امور انجام گرفته را میدهند تا توده کارگران بتوانند در لحظات نظارت بر امور شرکت دخالت داشته باشند. بدین ترتیب مجمع نمایندگی کارگران ابزار واقعی برای اعمال نظارت شورایی بر اداره این شرکت از سوی کارگران نیشکر هفت تپه است. همه اینها به معنای پایه گذاشتن شورایی واقعی کارگران در نیشکر هفت تپه است و این کارگران از هم اکنون دارند با اتکاء به شورایی خود نظارت شورایی را اجرایی میکنند. از جمله یکی از تصمیمات بسیار مهم آنها که همین امروز دارند اجرایی میکنند اخراج مدیران فاسد و تعیین مدیریت هر بخش توسط خود کارگران است. این الگوی بسیار درخشان از اداره شورایی است که نشان میدهد که چطور این کارگران ایستاده اند و دارند اعمال اراده میکنند.

خلیل کیوان: کاظم نیکخواه! تبیین کارگران نیشکر هفت تپه از اداره شورایی و اقدامات عملی در این راستا در این شرکت از سوی کارگران راهشلا دانشفر توضیح داد اما یک بحث مهم در مورد این شرکت بحث مدیریت آنست. از جمله یک بحث بر سر اینست که مدیریت شرکت به تعاونی داده شود که ۵۰ درصد سهام آن به

اند که جلوی خروج اموال شرکت و دزدی ها را بگیرند.

کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که به هیچ نوع از خصوصی سازی تن نمیدهند. باید دولت مدبری را به شرکت گسیل کند و کارخانه تحت نظارت شورایی کارگران اداره شود. کارگران نیشکر هفت تپه نظارت شورایی را نیز صراحتاً توضیح داده و میگویند برای این که کارگران بطور واقعی درگیر و دخیل در منافع مشترک شان باشند، در کارگاه ها و ادارات و کارخانه و قسمتهای مختلف، کارگران باید نمایندگانشان را برگزینند تا به مجمع نمایندگان برای اعمال نظارت بطور رسمی شکل بدهند. این کارگران همچنین ضمن اخراج مدیران فاسد و همدستان اسدیگی مدیران و سرپرست ها و روسای ادارات را خودشان انتخاب میکنند. ضمن اینکه دامنه نظارت و کمیسیونهای نظارتی کارگران در هر بخش باید روشن باشد و همه کارگران از آن مطلع باشند و مدیر جدید نیز باید به این نظارت متعهد باشد. بعد هم کارگران لیست مطالبات خود را جلوی دولت خواهند گذاشت که اجرایی شود. بعلاوه همین امروز کارگران از طریق نظارت شورایی خود از هر گونه نقل و انتقال اموال شرکت جلوگیری میکنند. برای انجام همه اینها کارگران نیشکر هفت تپه به برپایی مجمع عمومی جهت بررسی و تصمیم گیری در مورد مسایل روز خود در

حماسه آفریدیم و حقیقتاً حماسه آفریدند. در این روز کارگران جمع شدند، اول مجمع عمومی خود را برای تصمیم گیری برپا کردند و بعد در مجمع تصمیم گرفتند مدیران فاسد باند اسدیگی را از کارخانه بیرون بیندازند. در راستای همین تصمیم گیری با شعار "مدیر بی لیاقت نمیخواهیم، مدیریت بی لیاقت هفت تپه بالا محل مهمانسرا که دفتر صابریان یکی از این مدیران فاسد در آنجا قرار داشت رفتند و درب دفتر او را پلمپ کردند. البته صابریان از ترس کارگران زودتر از شرکت فرار کرده بود! همینطور آمیلی که نماینده تام الاختیار اسدیگی بوده، حکم اخراج رفعت جو یکی از مدیران جوان که همراه کارگران علیه مدیران فاسد بوده را صادر کرده است. کارگران در اعتراض به این حکم اعلام اعتصاب کردند. بعد از آنهم کارگران علامه یکی دیگر از مدیران فاسد را بیرون انداختند و اعلام کردند که این مدیران دیگر حق حضور در شرکت را ندارند. یک تصمیم جالب دیگر مجمع عمومی کارگران نیشکر هفت تپه این بود که اعلام کردند هیچ مقامی اجازه خرید یا فروش اموال شرکت را ندارد و اجازه ندارد که مهر این شرکت را پای هیچ نامه و ودستوری بزند. واگر این کار صورت گیرد کارگران با آن مقابله خواهند کرد. ضمن اینکه در تمام این مدت این کارگران تلاش کرده

خلیل کیوان: بدنبال خلع ید از اسدیگی سردسته باند مافیایی حاکم بر نیشکر هفت تپه، کارگران اعلام کردند که به هیچ نوع خصوصی سازی تن نمیدهند و خواهان این شدند که یکنفر از سوی دولت به این کارخانه گسیل و شرکت تحت نظارت شورایی اداره شود. اما علیرغم خلع ید از اسدیگی و ابلاغ رسمی آن هیچ اقدامی در جهت تعیین مدیریت شرکت نشده است. کارگران میگویند ما منتظر نمی مانیم و برای حفظ نیشکر هفت تپه، یعنی حفظ شغل و معیشت مان، خود تا تعیین مدیریت شرکت، امور را اداره میکنیم. کارگران تعریف خود از نظارت و اداره شورایی را روشن کرده و عملاً مشغول اجرای آن هستند. کارگران نیشکر هفت تپه عملاً سنگ بنای شورای کارگری و اعمال قدرت نیروی متحد کارگری را بنمایش گذاشته اند. در مورد اینکه اداره شورایی چیست؟ چه اتفاقاتی در این شرکت ۵ هزار نفره کارگری در جریان است و چه گفتنهایی در جریان است، در برنامه خط رفاه با شرکت شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه به آنها میپردازیم.

شهلا دانشفر! در اطلاعیه حزب اعلام شده که کارگران نیشکر هفت تپه نظارت شورایی را اجرایی میکنند. موضوع از چه قرار است و تا کنون چه قدمهایی در این جهت برداشته شده است؟

شهلا دانشفر: روز ۱۵ شهریور یکی دیگر از روزهای تاریخی و درخشان در مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بود. همانطور که اشاره کردید این کارگران اعلام کردند که ما منتظر نمی مانیم و برای حفظ شغل و معیشت خود کارخانه را اداره میکنیم. اکنون کارگران دارند همین کار را با اعمال اراده مستقیم خود و تصمیم گیری جمعی در مجمع عمومی، به پیش میبرند. در روز پانزدهم شهریور ماه شاهد صحنه های جالبی از اعتراض کارگران بودیم که خود کارگران گفتند

ادامه از صفحه ۴

در حالیکه با نظارت شورایی کارگر میگوید وقتی مالکیت با دولت است، دولت مسئول است حق کارگر را ادا کند. مزدش را بموقع پردازد. و کارگران همه مطالبات خود را دارند. از جمله کارگران اخراجی باید سر کارشان بازگردند. قراردادهای کارگران دفع آفات و غیر نیشکر باید تمدید شود. پرونده های امنیتی باید بسته شود و همه مطالبات سر جایش است و کارگران خواهان آنها هستند. ولی شرکت باید تحت نظارت خودمان اداره شود و همه مدیران بخش های نیز باید توسط خود ما کارگران انتخاب شوند.

در موقعیتی قرار میدهند که به پادوی این سیستم تبدیل شود و نتواند اعتراض و اعتصاب کند زیرا ظاهرا خودش در مالکیت کارخانه و شرکت سهیم است. با این طرح قرار است کارگران تبدیل شوند به نیرویی که خودشان جلوی اعتراض و اعتصاب می ایستند. بعلاوه در مورد مشخص هفت تپه همه کارگران میدانند که جمهوری اسلامی سالیانست که سیاستش اینست که هفت تپه را به دلایل مختلفی تعطیل کند. یک دلیلش اینست که هفت تپه کانون پیشرو اعتصابات کارگری است. بقول کارگران پایتخت اعتصابات است. میخواهند تعطیل شرکت را هم به گردن کارگران بیندازند. یعنی قرار است شش ماه یک سال تحت عنوان کنترل کارگری کار کند و بعد به ورشکستگی کشیده میشود و با توافق کارگران تعطیل شود و دیگر صدای کسی هم در نیاید. این کل ماجرای این طرح است. کلا این تجربه هر جا هم کارگران فریبش را خورده اند و به دامش افتاده اند به طور جدی لطمه دیده اند و سرشان به سنگ خورده است. ظاهر مساله اینست که کارگر که در شرایط کنونی مالک هیچ چیز نیست یک مرتبه صاحب پنجاه درصد کارخانه و شرکت میشود و سود شرکت با او تقسیم میشود. این خیلی فریبنده است. اما واقعی نیست. زیر فشار اعتراضات و اعتصابات کارگران به این موقعیت افتاده اند. اهرمهای اصلی شرکت و کارخانه در دست سرمایه دارانست و کارگران فقط میتوانند به جان هم بیفتند و صفوفشان به هم بریزد. نمیشود یک جزیره کارگری و سوسیالیستی را در دل اقیانوس سرمایه داری ایجاد کرد. این کاملا خطرناک است، مضر است، زیان آور است. کارگران هفت تپه تا کنون خیلی هوشیارانه در مقابل خیلی از تفرقه افکنی ها محکم و متحد ایستاده اند در مقابل این طرح هم قطعا محکم خواهند ایستاد و آنرا خنثی خواهند کرد. کارگر در آن جامعه بعنوان شهروند و بعنوان کارگر باید از تک تک حقوق خود، زندگی خود، امنیت خود دفاع کند. همانطور که تا کنون

و همانطور که اشاره کردم طرحش را نیز داده اند. و این مساله کلیدی برای کارگران است و به همین دلیل دارند با این شتاب ارکان نظارت شورایی را ایجاد و به آن ساختار میدهند و آنرا اجرایی میکنند.

کارگران خواهان آنها هستند. ولی شرکت باید تحت نظارت خودمان اداره شود و همه مدیران بخش های نیز باید توسط خود ما کارگران انتخاب شوند.

خلیل کیوان: وقتی به مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه نگاه میکنیم تقلاهایی بسیاری شده است که در صف کارگران تفرقه ایجاد شود. در شرایط فعلی چه مواعی بر سر پیگیری خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه قرار دارد و چه مسائلی میتواند زمینه ساز ایجاد تفرقه در صفوف مبارزه متحد آنها باشد و این نکته کلیدی در این اعتراضات است.

کازم نیکخواه: کارگران نیشکر هفت تپه تا اینجا بسیار بسیار هوشیارانه در برابر تفرقه افکنی ها ایستاده اند و موفق شده اند به دلیل حفظ اتحادشان روی جهت کارگری، روی یک جهت پیشرو و رادیکال خواستههایشان را پیش ببرند. حتی در مساله مالکیت شرکت که برای حکومت و سرمایه داران مقدس است دخالت کردند و مالکیت کارخانه را که در دست بخش خصوصی و اسد بیگی بود لغو کردند و او را بیرون انداختند و اجازه ندادند که بتواند به یک تازیهایش ادامه دهد. این یک اقدام بسیار تاریخی و مهم بود. این را نه دولت و نه هیچ جناح حکومت موافق نبودند. و

و همانطور که اشاره کردم طرحش را نیز داده اند. و این مساله کلیدی برای کارگران است و به همین دلیل دارند با این شتاب ارکان نظارت شورایی را ایجاد و به آن ساختار میدهند و آنرا اجرایی میکنند.

و مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی رکن پایی ای این ساختار برای نظارت شورایی است. طبعاً کارگران هدفشان گرفتن مالکیت شرکت نیست. بخاطر اینکه دولت در قبال زندگی و معیشت ۵ هزار کارگر این شرکت مسئول است. به همین دلیل با طرح تعاونی مخالفت هستند. زیرا طرح اینست که ۵۰ درصد سهام به کارگران داده شود و باقی سهامدار اصلی دولت است. بعد هم با پخش این ۵۰ سهم در میان کارگران تحت عنوان مالک شدن کارگران زبان کارگر را کوتاه کنند و سر آنها را کلاه بگذارند. به نظر من در واقع آن طرح، به نحوی تدبیری برای عقب زدن نظارت شورایی است. در حالیکه با نظارت شورایی کارگر میگوید وقتی مالکیت با دولت است، دولت مسئول است حق کارگر را ادا کند. مزدش را بموقع پردازد. و کارگران همه مطالبات خود را دارند. از جمله کارگران اخراجی باید سر کارشان بازگردند. قراردادهای کارگران دفع آفات و غیر نیشکر باید تمدید شود. پرونده های امنیتی باید بسته شود و همه مطالبات سر جایش است و

کارگران نیشکر هفت تپه دفاع کرده اند و این نوع طرحهای فریبکارانه را علیرغم ظاهر فریبنده ای که دارند بشناسند و تردیدی نداشته باشند که در خدمت اهداف دولت و سرمایه دارانست.

خلیل کیوان: یک بحث دیگر در مورد مدیریت اینست که شرکت به زیر مجموعه هفت شرکت نیشکر هفت تپه در خوزستان اضافه شود و اداره آن شورایی باشد. شهلا دانشفر شما چه فکر میکنید؟

شهلا دانشفر: در حالیکه کارگران دارند نظارت شورایی را اجرایی میکنند، این نوع طرحهای تعاونی و پنجاه پنجاه هم عملاً کنار زده میشود و موفقیتی نخواهد داشت. یعنی عملاً کارگران با اجرای نظارت شورایی دارند طرح های دیگر را عقب میزنند. به این معنا که اعتراضات کارگران نیشکر هفت آنچنان با قدرت به جلو میرود که هر طرح این چنینی ناگزیر است عقب بنشیند. اما در رابطه با سوال مشخص شما لازمست بگویم که هفت شرکت نیشکر در خوزستان هست. مثل نیشکر دهخدا، امیرکبیر، کارون، دعبل خزاعی و غیره یک طرح اینست که نیشکر هفت تپه نیز زیر این مجموعه قرار گیرد. کارگران میگویند هر نوع مالکیت دولتی ای برقرار شود، شرکت باید تحت نظارت شورایی آنها اداره شود

ادامه از صفحه ۵

نفس وجود یک مبارزه رادیکال و فعال مثل هفت تپه در جامعه خودش یک ستون محکم کارگری علیه سرمایه داران و حکومتشان ایجاد کرده است که قابل انکار نیست. هفت تپه یک جایگاه تاریخی و فراموش نشدنی در کل جامعه و فضای اجتماعی پیدا کرده و من مطمئنم که خواستهای کارگران عملی خواهد شد و پیشرویهای بسیار بیشتری را شاهد خواهیم بود.



بدهیم و کارگران شورای اسلامی میخواهند. اما با طرح این سخنان کارگران تنهایشان گذاشتند و جلویشان ایستادند و این تلاشها را خنثی کردند. و موفق شدند که پروژه تشکیل شورای اسلامی را کنار بزنند.

بهرحال موانع تا آنجا که تا اینجا شاهد آن بوده ایم جدی ترینش از جانب حکومتی ها و کسانی بوده است که گرایشات حکومتی دارند و پشت سر این جناح و آن جناح حکومت هستند و تلاش میشود که کارگران را از خواستهایشان دور کنند و به پادوی شورای اسلامی یا رئیسی یا امثال اینها تبدیل کنند. بنظر من باید در این رابطه محکم مقابل اینها ایستاد. یکی هم همین طرح سهیم کردن کارگران در مالکیت کارخانه است. میگویند بیایید مالکیت را پنجاه پنجاه کنیم. یعنی یک نوع ابهام و سر درگمی ایجاد کردن در میان کارگران و تلاش برای بهم ریختن صفوف کارگران هدف آنهاست و مدام دارد انجام میشود. و کارگران هم خوسبختانه تا حالا محکم و متحد ایستاده اند.

بنظر من موانع اصلی در شرایط فعلی اینها هستند. موانع دیگری هم هست که میشود به آنها اشاره کرد اما عاجلترینش بنظر من همینهاست که اشاره کردم.

خلیل کیوان: مفصل در مورد اجرایی شدن اداره شورایی و گذاشتن سنگ بنای شورای واقعی کارگری در هفت تپه صحبت شد، قدم بعدی برای ادامه کاری و تقویت اجرای آن بنظر شما چیست؟

شهلا دانشفر: تا همین جا کارگران نیشکر هفت تپه قدمهای مهمی به جلو برداشته اند. ولی یک قدم مهم دیگر اینست که به شورا و یا مجمع نمایندگان خود رسمیت دهند و آنرا علنا اعلام کنند. با آن اسم خطاب به کارگران و جامعه صحبت کنند و بیانیه دهند و ابراز نظر کنند. این کارگران تبیین خودشان را از اداره شورایی اعلام کرده و گفته اند

کل کارگران آنجا مثل یک مجمع عمومی واحد حرفشان را میزنند تصمیمات به تایید مجمع عمومی کارگران میرسد و غیره همه اینها سنتهای بسیار زیبا و پیشرو و تاریخی ای است که تأثیرات عظیمی در جامعه میگذارد. تداوم مبارزه کارگران هفت تپه روی کل فضای جنبش کارگری و باید بگویم روی کل فضای جامعه تأثیرات عمیقی گذاشته و جامعه از آن درس گرفته است. نفس وجود یک مبارزه رادیکال و فعال مثل هفت تپه در جامعه خودش یک ستون محکم کارگری علیه سرمایه داران و حکومتشان ایجاد کرده است که قابل انکار نیست. هفت تپه یک جایگاه تاریخی و فراموش نشدنی در کل جامعه و فضای اجتماعی پیدا کرده و من مطمئنم که خواستهای کارگران عملی خواهد شد و پیشرویهای بسیار بیشتری را شاهد خواهیم بود. کارگران نیشکر هفت تپه بسیار آرزوی موفقیت میکنند. و آرزو میکنند که تجربیات هفت تپه به الگوی نفت، پتروشیمی و همه کارگران تبدیل شود.

خلیل کیوان: تشکر میکنم که در این برنامه شرکت کردید.

تپه میگذرد تا چه حد میتواند در بعد سراسری در جنبش کارگری تأثیر گذار باشد؟

کازم نیکخواه: هفت تپه بطور واقعی تأثیرات زیادی تا همینجا بر فضای جامعه در جنبش کارگری و کلا بر بخشهای مختلف طبقه کارگر، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان گذاشته. اغراق نیست اگر بگوییم به یک مفهوم هفت تپه دارد جامعه را هدایت و رهبری میکند. خود بحث شوراها نظارت شورایی اداره شورایی شعار نان کار آزادی اداره شورایی اینها همه برای کل کارگران و کل بخشهای طبقه کارگر بسیار آموزنده و روحیه بخش و پیشرو و مهم است و تأثیرات خود را گذاشته و خواهد گذشت. در عین حال کارگران هفت تپه توانسته اند اتحادشان را هوشیارانه حفظ کنند و شیوه ها و موضع گیریها و ابزارهای حفظ این اتحاد و خنثی کردن توطئه ها که برخی را اشاره کردیم برای همه کارگران و مردم آموزنده است. برای نمونه اینکه رهبران کارگران هفت تپه جلو آمده اند علنا روی سنگر ایستاده اند و با اسم و رسم خواستهای کارگران را مطرح میکنند و

از سازمانیابی اعتراضاتشان شدند. از جمله در تجمعات اعتراضی این کارگران در مقابل فرمانداری در همین اواخر ما شاهد بودیم که آنها همانجا حضور و غیاب میکردند و بعدا در مورد کارهای در دستور خود رای گیری میکردند. از جمله جالب بود که همانجا در رابطه با دعوت شورای تأمین استان به مذاکره رای دادند و گفتند به این نشست نخواهیم رفت. حرفهای ما روشن است و منتظر پاسخ هستیم. همچنین تمامی این تصمیماتی که ما در مورد آنها تحت عنوان نظارت شورایی بحث کردیم را این کارگران در مجمع عمومی خود گرفته اند. ولی برای اینکه این رسمیت و هویت پیدا کند باید به همین اسم شورای کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران اعلام علنی شود و به همین اسم صحبت کنند و بیانیه ها و تصمیم گیریهایشان را رسمیت دهند. و به همین اسم رو به جامعه حرف بزنند. این یک تحول مهم است و قدمی در تثبیت پیروزی های تا کنونی خواهد بود.

خلیل کیوان: امروز نیشکر هفت تپه یک سنگر است. سنگر شوراها. آنچه در هفت

حکومت اعدام در منگنه جنبش دادخواهی درباره کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷



حسن صالحی

سی و سه سال از کشتار هزاران زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ توسط جمهوری اسلامی می‌گذرد. تاریخ جمهوری اسلامی پر از جنایت و کشتار است. اما بدون شک قتل عام مخفیانه هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ یکی از سیاه‌ترین لحظات حیات ننگین این حکومت است. هویت‌های مرگ مطابق فرمان مستقیم خمینی جنایتکار به

زندانیهای مختلف ایران رفتند و تحت عنوان "دادن عفو" جان هزاران زندانی سیاسی که در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و یا محکومیتشان تمام شده بود را گرفتند. در دادگاههای فقط چند دقیقه ای تصمیم می‌گرفتند چه کسانی را بکشند. فتوای خمینی چنین مقرر کرده بود: "رحم بر محاربان ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند." بسیاری از کسانی که طبق فرمان خمینی جانی به قتل رسیدند جوانانی بودند که نه به دلیل فعالیت مسلحانه، آنطور که رژیم ادعا می‌کند، بلکه فقط به دلیل داشتن اعلامیه ای اعدام شدند...

جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرده که این قتل عام

هولناک را از حافظه تاریخی مردم پاک کند. ولی تاکنون موفق نشده است. یک اقدام جمهوری اسلامی در این راستا تخریب گورهای دسته جمعی بی نام و نشانی است که اعدام شدگان در آنها به خاک سپرده شده اند. بنا به گزارش عفو بین الملل این اقدامات شامل مسطح سازی بوسیله بولدوزر، ساخت جاده و ساختمان، انباشت زباله و یا ساخت قبرهای جدید در محل گورهای جمعی بوده است. علیرغم از بین بردن عامدانه آثار و شواهد این جنایت، هنوز کشتار زندانیان سیاسی یک موضوع مهم در جامعه ایران و حتی جامعه بین المللی است.

یک دلیل این امر وجود جنبش گسترده دادخواهی در ایران است که پیشقراولان آن خانواده های جانباختگان و اعدام شدگان بوده اند. کسانی که هرگز از مبارزه باز نایستاده اند و قبل از هر چیز به دنبال این بوده اند که بدانند عزیزان آنها را چه زمانی، چگونه و چرا کشتند و اجسادشان را کجا دفن کردند. خانواده هایی که هنوز داغشان تازه است و بدنبال محاکمه

یک واقعه مهم دیگر که موفقیت بسیار بزرگ برای جنبش دادخواهی بود دستگیری حمید نوری در کشور سوئد و دادگاهی کردن

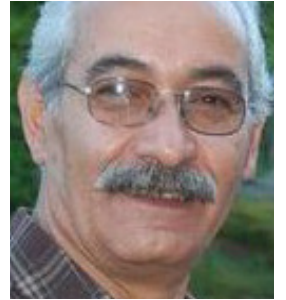
او به دلیل مشارکت در کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ است. محاکمه حمید نوری از دهم اوت ۲۰۲۱ در استکهلم آغاز شده است و انتظار می رود تا آوریل سال ۲۰۲۲ ادامه یابد. این اولین باری است که کسی به دلیل مشارکت در قتل هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در یک دادگاه بین المللی محاکمه می شود. تا همینجا و در جریان این دادگاه با استناد به اسناد و مدارک فراوان و توضیحات جان بدربرندگان جزئیات زیادی از جنایت هولناک تابستان ۱۳۶۷ روشن شده است. این حقیقت که جمهوری اسلامی چگونه با قساوت و بی رحمی با زنان و مردان آزادیخواه ایران برخورد کرده است اکنون در مقابل چشم همه جهانیان گذاشته شده است. حتی جهان بینی و ایدئولوژی پوسیده ای که پشتوانه چنین جنایاتی بوده است از نظر دادگاه پنهان نمانده است. این دادگاه فقط محاکمه شخص حمید نوری نیست بلکه محاکمه جمهوری اسلامی است. با محکومیت حمید نوری در این دادگاه راه برای محاکمه کردن سران

جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت هموارتر خواهد شد.

کشتارهای دهه ۶۰ باید به عنوان یک فاجعه اجتماعی و یک جنایت دهشتناک علیه بشریت در سطح جهانی، در افکار عمومی جهانیان و در نزد دولتها و نهادهای بین المللی نیز شناخته و محکوم شود. همه آمرین و عاملین مستقیم و غیرمستقیم این جنایت و از جمله ابراهیم رئیسی که خود عضوی از "هیات مرگ" بود باید بازداشت و محاکمه شوند. می توان با بسیج افکار عمومی جهان علیه جمهوری اسلامی کاری کرد که هیچ دولتی نتواند با آفرینندگان هولوکاست اسلامی مماشات کند، جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی هر چه بیشتر تحت فشار قرار گیرد و این رژیم جنایتکار به عنوان قاتل مردم ایران طرد و منزوی شود. همراه با خانواده های دادخواه با صدای بلند اعلام می داریم که هرگز جنایات جمهوری اسلامی را نه فراموش خواهیم کرد و نه خواهیم بخشید.

۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

تهدیدات فرمانده نیروی سپاه نشانه استیصال حکومت است



عبدل گلپرین

روز دوشنبه ۱۵ شهریور ماه محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه گفته است: "سوءاستفاده گروهک های تروریستی و مسلح از اقلیم شمال عراق برای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی ایران برای ما قابل تحمل نیست و پاسخ لازم را به تروریست ها خواهیم داد." او همچنین گفته است:

"به رغم تاکیدات چندباره و آگاه سازی مسئولین اقلیم شمال عراق نسبت به تحرکات گروهک های تروریستی و مسلح در منطقه آنها برای رخنه و انجام اقدامات ضد امنیتی علیه کشورمان و عدم برخورد با این پدیده، سال ها است که گروه های تروریستی و ضد انقلاب وابسته به استکبار جهانی و سرویس های جاسوسی بیگانه از جغرافیای اقلیم شمال عراق برای برهم زدن امنیت و آرامش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد اذیت و آزار برای مردم ساکن در این مناطق استفاده می کنند و در این خصوص به دولت عراق و مسئولین اقلیم شمال این کشور تذکرات

لازم داده شده است. دولت عراق و اقلیم کردستان نباید به تروریست ها اجازه جولان و برپایی مقر در این سرزمین برای تهدید و ایجاد ناامنی علیه ایران را بدهند، هرگونه کوتاهی و غفلت در این خصوص را مغایر حسن همجواری و روابط حسنه دو کشور می دانیم و از ساکنین این مناطق درخواست می کنیم از مقرهای تروریست ها فاصله بگیرند تا آسیبی متوجه آنها نشود."

هذیان گویی های فرمانده سپاه آدمکشان اسلامی چیز تازه ای در بر ندارد. این شاخ و شانه کشیدنها و تروریسم خطاب قرار دادن احزاب اپوزیسیون در کردستان عراق، قدمتی به اندازه طول عمر حکومت اسلامی دارد. اکنون نه دوران قدر قدرتی حکومت اسلامی در چهار دهه قبل است که خمینی و دیگر جنایتکاران و آدمکشان سپاه و ارتش برای تثبیت خود نیروهای مخالف و اپوزیسیون را با عباراتی چون، ضد انقلاب، گروهک های تروریست، عامل سرویس های جاسوسی و غیره نام می بردند و نه دوران توهم بخشی از مردم به این حکومت است. امروز دیگر نه تنها مردم ایران و منطقه بلکه افکار عمومی دنیا میدانند که بنیانگذار ترور و تروریسم در جهان حکومت اسلامی است. ترور رهبران احزاب مخالف، ترور شخصیت های سیاسی، چپ و کمونیست در کردستان عراق و دیگر کشورها با نام و هویت تروریسم حکومت اسلامی عجین شده است.

بنابراین تروریسم اسلامی از منظر مردم دنیا و حتی دولتهای دور و نزدیک به این حکومت، بر پیکر رژیم اسلامی خالکوبی شده است. هولوکاست اسلامی در دهه شصت و ادامه آن در روز روشن و شلیک به سرمعترضین در خیابانها، شلیک موشک سپاه تروریست پرور به هوایما، شکنجه زندانیان در زندانها که چهره کثیف حکومت اسلامی را بیشتر از پیش به دنیا نشان داد چیزی جز جنایت علیه بشریت را نمی توان نام نهاد.

فرمانده مزدور حکومت اسلامی از برهم زدن امنیت و آرامش مناطق مرزی توسط احزاب اپوزیسیون سخن می گوید. تنها یک قلم از ایجاد ناامنی، سلب آسایش و تباہ کردن زندگی مردم در مناطق مرزی از سوی سپاه قدس و دیگر مزدوران و آدمکشان حکومت اسلامی، کشتار کولبران در غرب و کشتار سوخت بران در شرق کشور است. حکومتی که با اتکا به دستجات و باندهای مسلح سپاه و دیگر شبکه های تروریستی اش پرونده ای مملو از ایجاد ناامنی و سلب آسایش مردم نه تنها در مناطق مرزی و کل کشور بلکه در منطقه و سراسر جهان را زیر بغل دارد.

بخش دیگری از تهدیدهای عربده جویانه محمد پاکپور خطاب به همپیمانان حکومت اسلامی در حکومت مرکزی عراق و اقلیم کردستان است. هشدارهای که فرمانده نیروی سپاه به مقامات حکومت عراق و کردستان

حکومت اقلیم می دهد، چیزی جز ایجاد فضای تبلیغاتی نیست. حکومت اسلامی طی دوران موجودیتش نیازی به هشدار به همپیمانان خود در عراق و در اقلیم کردستان نداشته است. توپ باران و خمپاره باران مناطق مرزی، موشک پرانی به دفتر و مقرهای احزاب اپوزیسیون در کردستان عراق اتفاقا با توافق آنان ممکن شده است. قلداریهای های حکومت اسلامی و دولت ترکیه در جریان حملات هوایی و زمینی به داخل کردستان عراق هیچگاه با کمترین واکنشی از سوی حکومت مرکزی و احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر کردستان عراق روبرو نبوده است. بنابراین باید گفت که هرگونه تعرض و حمله نظامی علیه اپوزیسیون در داخل کردستان عراق بدون رضامندی آنان ممکن نبوده است.

اما نکته قابل توجه در سخنان تهدید آمیز فرمانده آدمکش اسلامی را باید جای دیگری جستجو کرد. امروز دیگر شگردها و طرحهای حکومت اسلامی برای انحراف افکار عمومی از اصل وقایع عینی و ملموس در جامعه برای همه مردم به عنوان شگردهای سوخته و نخ نما قابل ارزیابی هستند. حکومت اسلامی در مواجهه با فشارهای عدیده اعتراضی و اجتماعی که بطور روزمره از سوی جامعه ای به پا خاسته با آن روبرو است مدام می کوشد اذهان عمومی را نسبت به خشم و اعتراض مردم به جای دیگری ببرد. این شاخ و

شانه کشیدنها برای مردم ایران و بویژه مردم کردستان آشنا است. حکومت اسلامی از هر سو در محاصره اعتراضات اجتماعی، اعتصابات کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی قرار دارد. در وحشت از اوج اعتراضات مردم ناچار شده اند گشتهای ۱۱۰ تهران را به دو برابر افزایش دهند. این تلاشها تنها برای منحرف کردن افکار عمومی از باتلاقی است که سران و کل حاکمیت در آن گیر افتاده اند. حکومت اسلامی و فرماندهان شبکه مافیای سپاه قدس و دیگر نیروهای سرکوبگر آن، زندگی مردم را به جهنمی به تمام معنا تبدیل کرده اند. در مقابل این جهنم و این تباہی، مردم تمام قد در برابر بانیان وضع موجود ایستاده اند و فرمانده سپاه قدس با تهدید نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق در تلاش تبلیغاتی برای گشودن یک برکت آسمانی برای نجات هیولای زخم خورده اسلامی است. وحشت و هراس سراپای نظام اسلامی را فرا گرفته است. این نوع ژستهای دهه شصتی دیگر بردار این دوران نمی خورد. مردم در سراسر کشور دست در دست مردم معترض و خشمگین عراق، همسو با مردم کردستان عراق و دست در دست مردم زنان منتظر از اوپاشان تروریست طالبان در افغانستان، در تلاشی بی وقفه خیز برداشته اند تا بساط چند دهه از حاکمیت آدمکشان و جنایتکاران اسلامی در منطقه را برچینند.

۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

قدردانی از نسان نودینیان

بنا به دلایل پزشکی و وضعیت جسمانی، نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری تقاضا کرد رفیق دیگری مسئولیت دبیری کمیته کردستان را بعهده بگیرد. بنا به این درخواست دو نفر از اعضای کمیته پدی محمودی و عبدل گلپرین کاندید دبیری کمیته شدند که عبدل گلپرین به عنوان دبیر کمیته کردستان حزب انتخاب شد.

کمیته کردستان از زحمات و تلاشهای بی وقفه نسان نودینیان در هدایت و رهبری فعالیتهای کمیته در چند سال گذشته صمیمانه قدردانی کرده و برای او آرزوی سلامتی و تندرستی می کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ شهریور ۱۴۰۰، ۹ سپتامبر ۲۰۲۱



در بزرگداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز



متن زیر پیاده شده از سخنرانی
حمید تقوایی - استکهلم -
سپتامبر ۲۰۱۹

خیلی متشکرم که این فرصت را بمن دادند تا من هم چند کلمه در بزرگداشت این دو عزیز صحبت کنم. امروز، دیگر سخنرانان از زوایای مختلفی درباره این عزیزان صحبت کردند. من سعی میکنم در یک سطح شاید فراتری و با دیدی که امروز به گذشته نگاه میکنیم نقش و جایگاه این دو رفیق عزیز را توضیح بدهم.

کومله در این جهت نقش ایفا کردند ولی مشخصاً صدیق نقش کاملاً تعیین کننده ای داشت. فکر کنم از رفیق فواد مصطفی سلطانی اینجا نقل کردند که گفته بود صدیق کومه له را عضو خودش کرد. صدیق اولین بار وقتی بلند شد و به عنوان نماینده کومله در شورای وقت انقلاب سنج صحبت کرد هنوز رسماً عضو کومله نبود. ولی آنجا تصمیم گرفت و از قول کومله صحبت کرد و یکی از مهمترین تحولاتی که کومله را به یک حزب اجتماعی رادیکال و محبوب در میان توده مردم، نه فقط در کردستان بلکه در ایران تبدیل کرد همان حرکت صدیق کمانگر بود. صدیق کمانگر کومله را از خیابانها، از روستاها، از کوچ مریوان، از قیام سنج به دالانهای قدرت برد. او به عنوان مدعی در برابر ارتجاعیون تازه به قدرت رسیده ظاهر شد و گفت قدرت از آن مردم است. بعد از این مذاکرات رژیم مجبور شد شورای سنج را به رسمیت بشناسد. بخاطر پایمردی و پافشاری صدیق. بخاطر اینکه نه تنها خیزش مردم کردستان بلکه انقلاب سرکوب شده ایران در آن مقطع در هیات مذاکرات نماینده داشت، چهره داشت. این نقطه عطفی بود که کومله را به کومله، به یک نیروی اجتماعی محبوب تبدیل کرد. نام صدیق در تمام ایران پیچید. و ما کمونیست هائی که آن موقع در تهران در خانه های مخفی زندگی می کردیم صدیق را شخصیتی میدیدیم، چهره ای میدیدیم که در جلوی صف ایستاده است و دارد انقلاب ایران را نمایندگی میکند و در کردستان ادامه میدهد.

غلام هم به نحوی همین نقش را در اتحاد مبارزان کمونیست ایفا کرد. غلام از سر دیگری داشت در این جهت حرکت میکرد. من بجزارت میتوانم بگویم که لااقل از نظر تشکیلاتی اتحاد مبارزان بدون غلام اتحاد مبارزان نمیشد. اورفیقی بود با ارتباطات بی نهایت. من هیچوقت نفهمیدم غلام در هر روز چند نفر را ملاقات میکند. در دوره بعد از قیام، سالها ۵۸ و ۵۹، از صبح بلند میشد و تا شب ده ها نفر را میدید و هر روز گزارش می

آمد که این و آن رفیق و این جمع و آن جمع را غلام به اتحاد مبارزان جذب کرده است. او نه تنها یک مروج لایق بود بلکه در اشاعه مارکسیسم انقلابی که در آن دوره سر بلند کرد و یک پایه دیگر حزب کمونیست ایران شد، غلام یک چهره موثر و فعال سازمانده بود، و یک چهره زنده از این نظر که قلب کمونیسم را نمایندگی میکرد و نه فقط مغزش را. او کمونیست پرشوری بود که مارکسیسم انقلابی به او امکان و قدرتی داده بود که کمونیستهای ایران را به سیاستها و اهداف آرمانی خود جلب کند. کمونیست هائی که اکثر آنها در برابر جمهوری اسلامی گنج شده بودند، برخورد دوگانه میکردند، بعضی می گفتند رژیم ضد امپریالیست است، بخصوص بعد از تسخیر سفارت آمریکا خیلی ها از آن طرف غش کردند و به سمت جمهوری اسلامی رفتند. مارکسیسم انقلابی و رفقائی مثل غلام بودند که در برابر این موج ایستادند و محفل به محفل میرفتند، کمونیستها را میدیدند، با آنها بحث می کردند و می گفتند راه این است. راه، مارکسیسم انقلابی است. چپ آن دوره تئوری میداد که جمهوری اسلامی رو به داخل سرکوبگر است ولی در سیاست خارجی و بین المللی مترقی است. چون سفارت گرفته است و غلام با پرچم مارکسیسم

انقلابی میگفت داخل و خارج نداریم. این رژیم در همه زمینه ها ارتجاعی است. آنچه صدیق در کردستان از نظر سیاسی و اجتماعی نمایندگی میکرد و فریادش را بلند میکرد غلام از نظر سیاسی و نظری و تئوریک در محافل مخفی و نیمه مخفی در تهران گسترش میداد. و به این ترتیب بود که مارکسیسم انقلابی و کومله حزب کمونیست ایران را تاسیس کردند.

حزب کمونیست ایران یک دستاورد و یک نقطه درخشان در تاریخ چپ در ایران هست و همیشه باقی خواهد ماند. غلام و صدیق دو چهره ای بودند که این دو شاخه کمونیسم را در آن دوره کاملاً نمایندگی میکردند. حزب کمونیست ایران محصول تلفیق این دو بود. در اینجا وقتی عکسهائی دیدم که این دو رفیق را کنار هم نشان میداد این تصویر جلوی چشم آمد که جنبش کمونیستی در مناطق آزادی که بدست خودش ایجاد کرده بر سر پا بلند شد و اجازه نداد طبقه کارگر ایران زیر فشار اعداهای دهه شصت و ترورهای سال شصت و هفت که این دو عزیز را از ما گرفت کمرش بشکند. و به نومییدی و یاس دچار شود. در آن دوره بود که رادیو صدای انقلاب، که مدیریت آن آخرین مسئولیت صدیق بود، امید پخش میکرد. امروز رفقائی در

میان ما هستند که از زندانها خبر تشکیل حزب کمونیست را شنیدند و روحیه گرفتند و در زندان سربلند ایستادگی کردند و با سر بلند از زندان بیرون آمدند. چون فهمیدند ارتجاعیون چون فهمیدند ارتجاعیون حاکم با همه توحششان جنبش کمونیستی را نتوانستند زیر خاک کنند. نتوانستند دهنش کنند و نتوانستند به شکست بکشاند. و غلام و صدیق دو چهره ای بودند که نقش تعیین کننده ای در آن تحول داشتند.

این دو رفیق فقط دوستان ما نیستند، فقط چهره های متعلق به یک حزب، یا حتی متعلق به یک جنبش نیستند. چهره های یک جامعه بلند شده در سال ۵۷ برای آزادی و برابری و رفاه هستند، آن جامعه را نمایندگی کردند و امروز انقلابی در برابر چشمان ما دارد شکل میگیرد که به نظر من ده ها صدیق و ده ها غلام را بجامه معرفت خواهد کرد. و آنها قدر پیشکسوتان خود را خواهند دانست و همانطور که دوستان گفتند خیابانها و میداين وسالنها به اسم این دو رفیق ثبت خواهد شد. در کردستان و در سراسر ایران. این دو چهره درخشان جاودانی اند، بخاطر اینکه مبارزه ما برای آزادی، برای برابری، برای سوسیالیسم و در دفاع از سوسیالیسم جاودانی است. متشکرم.

حکومت کاری جدی برای مقابله با کرونا نمی کند! افزایش هزینه های درمان و افزایش فقر



محمد شکوهی

کرونا در کشور بیداد می کند. آمار فوتی های روزانه بنا بر اخبار حکومتی بیش از دو هفته است که به بالای ۶۰۰ نفر رسیده است. روزانه بین ۳ تا ۴ هزار نفر نیز به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری میشوند. کمبود واکسن؛ وسایل و تجهیزات مقابله با کرونا هم که جای خود دارد. این وضعیت فاجعه بار در کشور در حالی است که اکثر کشورهای جهان با واکسیناسیون گسترده در صدد مهار کرونا می باشند. جمهوری اسلامی هنوز که هنوز است کار اساسی و جدی ای برای مقابله با بیماری کرونا در دست ندارد. نگاهی گذرا به اظهارات و سخنان متناقض و دروغ های مقامات حکومت به خوبی نشان می دهد که کل حکومت به سیاست ضد انسانی لاقیدی و بی تفاوتی در مقابله با کرونا ادامه می دهد. برخی اخبار در این مورد:

* در هفته های اخیر حکومت وعده واردات ۴۰ تا ۵۰ میلیون دوز واکسن خارجی را داده است. اینکه این واکسنها وارد شده و در گمرکات حکومت منتظر ترخیص هستند، خود ماجرای دیگری دارد.

* حیدر محمدی مدیر کل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو وابسته به وزارت بهداشت به موضوع رسوب کالاهای سلامت محور در گمرک اشاره کرده و گفته: گمرک هیچ وقت حاضر نشده اطلاعات موجودی کالاهایی را که در اختیار انبارهای عمومی است، به نهادهای تخصصی مثل وزارت بهداشت و... ارائه بدهد و خبری نداریم.

* معاون فنی و امور گمرک گمرک حکومت هم اخیرا اعلام کرد: بیش از ۲۶ میلیون دز واکسن کرونا در هفت ماه گذشته به کشور وارد شده است.

* محمدی نایب رئیس انجمن داروسازان در باره کمبود دارو با وقاحت اعلام کرده: کمبود داروها در کشور به دلیل افزایش شدید تقاضا در موج جدید شیوع کرونا قابل پیش بینی بود. وی در شرح ۹۵ درصد کالاهایی که در گمرک وجود دارد، در مورد محصولات دارویی گفته نمی دانیم چه کالایی است و ما هم نمی دانیم و با صاحبان کالا که ۲۲۰ شرکت در حوزه دارو بودند، مکاتبه کردیم.

* مدیر کل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو در باره کمبود سرم هم هفته گذشته گفت: در یکی از کارخانه های تولید سرم با مشکل کمبود در بازار مواجه شدیم و مجبور شدیم سریع واردات را انجام دهیم که سرم ها مشکل داشت

* چند مقام وزارت بهداشت نیز در هفته های اخیر اعلام کرده اند که در برخی از استانها داروهایی که سهمیه بیمارستان ها برای بیماران کرونایی بود در داروخانه ها و بازار قاچاق به چندین برابر قیمت فروخته شده است.

* در افتتاحیه دیگر ۱۳ تن داروی «رمدسیویر» که از هند وارد شده بود؛ به دلیل تعلل گمرک به موقع ترخیص نشد و بعد از فاسد شدن از گمرک ترخیص شد. در همین رابطه در تاریخ هفتم شهریور ماه در شرایطی که تمام این داروها وارد چرخه توزیع شده بودند، سازمان غذا و دارو نامه ای به سازمان بازرسی کل کشور ارسال می کند مبنی بر اینکه گمرک بدون مجوز داروی غیر مجاز رمدسیویر هندی و سرم غیر مجاز از کشور ترکیه را ترخیص کرده است...

* کیانوش جهانپور، سخنگوی سازمان غذا و دارو نیز از فراهم شدن مقدمات واردات (۱۲۰) میلیون دز واکسن کرونا در سه ماه آینده» به کشور خبر داد. وی پیرامون میزان پیشرفت واکسیناسیون در کشور گفته: تا ۱۷ شهریور ماه جمعاً ۳۱ میلیون و ۴۵۰ هزار و ۶۹۴ دز واکسن کرونا در کشور تزریق شده است.

”جمهوری اسلامی با سیاستهای ضد انسانی اش، با لاقیدی و بی تفاوتی تمام در مقابله با این بیماری، با ممنوعیت واردات واکسن و... خود عامل گسترش کرونا و مسئول مستقیم قتل عام مردم است. جمهوری اسلامی بیماری کرونا را تبدیل به یک فاجعه مرگبار اجتماعی در کشور کرده است. حکومت میتواند واکسن وارد کند تا دهها هزار نفر جانشان را از دست ندهند و اینکار را بخاطر سیاست های ارتجاعی و بساط دزدی و فساد حاکم انجام نداد. به این میگویند قتل عمد مردم.“

اینها برخی اظهارات مسئولان حکومت پیرامون وضعیت پیشرفت واکسیناسیون و واردات واکسن در کشور است. خودشان می گویند که جمعا ۳۱ میلیون نفر تا روز ۱۷ شهریور دوز اول واکسن را دریافت کرده اند. تازه حضرات وعده واردات «۱۲۰ میلیون دوز واکسن کرونا در سه ماه آینده» را داده اند. این نشان می دهد که چقدر حکومت لاقید و بی تفاوت بوده و خود حکومت مسئول مستقیم افزایش مرگ و میر کرونایی، کمبود دهها قلم وسایل بهداشتی برای مقابله با کرونا است.

جمهوری اسلامی هیچ برنامه تدوین شده و منظم برای واکسیناسیون عمومی تا حالا نداشته و ندارد. یکسال تقلا کردند واکسن داخلی تولید نکنند. میلیاردها تومان را به این بهانه خوردند و آخرش هم دارند به نحوی اعتراف میکنند که قادر به ادامه کاری تولید واکسن در داخل نیستند.

خامنه ای رئیس حکومت آدمکشان بالاخره مجبور شده ممنوعیت واردات واکسن خارجی را بطور مشروط برداشته و اجازه واردات را بدهد اما به شرط آنکه پروژه های تولید واکسن داخلی هم کار نکنند. منظورش پروژه های در دست ستاد اجرایی امام و بنیاد برکت وابسته به خامنه ای است. نهادهای حکومتی کاسبان واقعی واکسن کرونا هستند. میلیاردها تومان پول را بین خودشان تقسیم کردند و دست آخر، دست از پا درازتر مجبور شدند اعتراف بکنند که نمی توانند واکسن تولید بکنند. بعد از این ماجرا تلاش کردند با کمک روسیه و در ایران واکسن تولید بکنند. در بوق و کرنا کردند که واکسن با کیفیت و استاندارد جهانی را تولید می کنند. چند هفته بعد از این ماجرا خودشان اعلام کردند روسیه واکسن تولید شده در ایران را با خودش می برد! اما این تمام مصائب بحران و فاجعه کرونا نیست. روزانه صدها نفر می میرند و هزاران نفر به امید بهبود هزینه های گزافی برای بستری شدن در

از بیماران کرونایی به خاطر بالا بودن هزینه های بستری در بیمارستان؛ ناچاراً اقدام به معالجه در خانه می کنند که این کار خطرات زیادی دارد.

جمهوری اسلامی با سیاستهای ضد انسانی اش، با لاقیدی و بی تفاوتی تمام در مقابله با این بیماری، با ممنوعیت واردات واکسن و... خود عامل گسترش کرونا و مسئول مستقیم قتل عام مردم است. جمهوری اسلامی بیماری کرونا را تبدیل به یک فاجعه مرگبار اجتماعی در کشور کرده است. حکومت میتواند واکسن وارد کند تا دهها هزار نفر جانشان را از دست ندهند و اینکار را بخاطر سیاست های ارتجاعی و بساط دزدی و فساد حاکم انجام نداد. به این میگویند قتل عمد مردم. این نیز به پرونده سراپا جنایت حکومت اضافه شد. جامعه باید یکپارچه دست به اعتراض بزند هم برای تهیه فوری واکسن؛ واکسیناسیون عمومی و رایگان و هم سایر نیازهای دارویی... راه حل مقابله با کرونا واکسیناسیون است. راه دیگری متصور نیست.

۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

توسط دولت پرداخت می شود در واقع بدون در نظر گرفتن کمک دولت مریض باید یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان پرداخت کند. از طرفی بسته به نیاز بیماران به بستری شدن در ICU این هزینه ها بیشتر نیز خواهد شد.

البته لازم به توضیح است که این همه هزینه ها نیست همین بیمارستانهای به ظاهر دولتی و تامین اجتماعی فقط هزینه بستری روی تخت؛ یک سرم و غذا و مواد ضد عفونی می باشد. مداوای واقعی از قبیل وصل بودن به تجهیزات پزشکی ویژه بیماران کرونایی، داروی ویژه اکسیژن، سرم و قرص های ویژه، خود هزینه های جداگانه ای دارند که بیماران باید خودشان بپردازند.

هزینه نزدیک به ۹ میلیون تومانی که حکومت اعلام کرده را با سهم پرداختی بیمار برای مداوای دو سه هفته ای در بیمارستان را هم باید به کل هزینه ها اضافه کرد. هزینه یک بیماری کرونایی که حدوداً دو هفته در بیمارستان بستری میشود بر اساس برآورد های کارشناسان حکومتی رقمی بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان برآورده شده است. به اعتراف مقامات وزارت بهداشت بسیاری

برای اقلام مراقبتی، خوددرمانی و درمانی، قیمت این محصولات و همینطور خدمات مرتبط با بیماران کرونایی بستری در حال رشد است برخی از اقلام، در این مدت به سید خانوار افزوده شده اند مانند ماسک های تنفسی، ضد عفونی کننده ها، دستکش های یک بار مصرف و برخی دیگر نیز با وجود اینکه از پیش، در سید مصرفی خانوار بودند، با افزایش استفاده، رویه رو بوده اند مانند شوینده ها، دستمال کاغذی، ویتامین ها و مکمل های خوراکی. هر دارویی را به هر قیمتی که می خواهند می فروشند.

کرونا: هزینه های درمان و میزان فقر را افزایش داده است

کرونا فقر و فلاکت را افزایش داده

هزینه های خانوارها بیش از ۴۰ درصد اضافه شده است

یکی از معاونان وزارت بهداشت

چند هفته پیش اعلام کرد در یک سال اخیر حدود ۶۱۲ هزار نفر به دلیل تامین هزینه های درمان به زیر خط فقر رفته اند بر اساس گزارش پایگاه اطلاع رسانی و پایش آثار اقتصادی کرونا (کرونومی)، سهم هزینه های بهداشت و درمان در سید هزینه های خانوارها بعد از مسکن در ردیف دوم بین ۳۴ تا ۴۲ درصد می باشد.

باز بر اساس گزارش مرکز آمار و وزارت بهداشت، افزایش تقاضا

گزارش کنفرانس اعضای حزب کمونیست کارگری در آمریکای شمالی

روز یکشنبه 29 آگوست کنفرانس اعضای حزب کمونیست کارگری در آمریکای شمالی با حضور حمید تقوایی لیدر حزب، اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران و سیاوش مدرسی دبیر کمیته خارج حزب به صورت آنلاین در پلتفرم زووم برگزار شد.

جلسه با سرود انترناسیونال شروع و با سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی ادامه پیدا کرد. حمید تقوایی در بخشی از صحبت‌های خود به دوره پر تحول پیش رو و چشم انداز شکلگیری تظاهرات گسترده در خارج کشور اشاره کرد و تاکید کرد که تشکیلات خارج باید خود را برای شرکت فعال و تاثیرگذاری هر چه بیشتر در این اعتراضات آماده کند. او گفت ما باید در عین رادیکالیزه و نمایندگی کردن اعتراضات و مبارزات همه مردم و فعالین در عرصه های مختلف، حزب را به خوبی

نمایندگی کنیم، با شعارها و پلاکاردها و بنرها و مبلغین حزبی حضور به هم برسائیم، و فرهنگ حزبی و تحزب را را در میان فعالین و کلا ایرانیان مقیم خارج گسترش بدهیم.

سپس مسئولین کمیته های شرق و غرب کانادا بابت یزدی و عباس ماندگار گزارش فعالیت کمیته های خود را در دوره ی اخیر ارائه دادند. پس از آن مسئولین عرصه های مختلف از جمله مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمیته علیه اعدام، فدراسیون پناهندگان، فری دم ناو و ... هرکدام به گوشه هایی از فعالیت عرصه های خود پرداختند. بعد از آن اعضای حزب به بحث و نقد و بررسی و تکمیل گزارش ها پرداختند. در خلال کنفرانس چند کلیپ از گوشه هایی از این فعالیت ها نیز پخش گردید.

در قسمت بعد بحث حول نقشه عمل و جهت گیری آینده کمیته ها و فعالین حزب اختصاص یافت. در این قسمت به گسترش بیشتر فعالیت حزب در آمریکای شمالی، مبارزه با اسلام سیاسی، سیاست بایکوت جمهوری اسلامی و نقش و اهمیت حزب و حزبیت و... پرداخته شد.

در پایان هر قسمت نیز وقتی هم به مهمانان اختصاص داشت. در این کنفرانس یکی از مهمانان به نام سپهرداد گرگین که از شاعران و نویسندگان متعهد شهر تورنتو می باشد نیز به رفقا اصغر کریمی، رییس هیات اجرایی حزب و سیاوش مدرسی، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب در خلال برنامه و هر جا که لازم دانستند، اظهار نظر و همراهی نمودند.

در بخش بعدی، داوطلبان عضویت در کمیته های شرق و غرب کانادا ابراز آمادگی نموده و برای شرکت در انتخابات اعضای کمیته، ثبت نام نمودند. ترتیب پروسه انتخابات از طریق اینترنتی سازماندهی شد و نتیجه انتخابات نیز در پایان گزارش آمده است.

در این کنفرانس 9 نفر به عنوان اعضای کمیته شرق و 8 نفر به عنوان اعضای کمیته غرب انتخاب شدند.

کنفرانس با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی به پایان رسید. او در این سخنان اساسا به نقشه عمل شش ماهه تشکیلات آمریکای شمالی حزب پرداخت و اظهار امیدواری کرد که در کنار و با همکاری کمیته های حزبی در شرق و غرب کانادا، واحدهای حزبی در کشور آمریکا نیز تشکیل شود و یکی از دستاوردهای فعالیت دوره آتی شکل گیری

اعضای منتخب کمیته غرب: مسعود آذرنوش، مینا بهروزی، سلیمان سیگارچی، جمال صابری، ابی صادقی، فهیمه صادقی، عباس ماندگار و سعید مدانلو

در اولین نشست کمیته ها رفقا بابت یزدی به عنوان دبیر کمیته شرق و عباس ماندگار به عنوان دبیر کمیته غرب انتخاب گردیدند.

ماهواره یاه است

ماهواره یوتلست

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

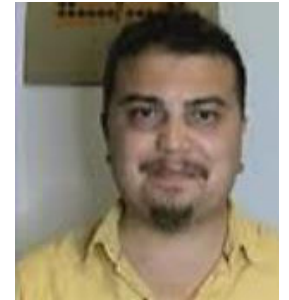
اف ای سی: ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

سال جدید تحصیلی؛ چالش پیشروی دانشجویان، دانش آموزان و معلمان



امیر عسگری

سال نو تحصیلی فرا میرسد با مشکلات عدیده معیشتی، تحصیلی و مرگ و میر ناشی از کرونایی که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است. مشکلات عدیده به واسطه سیاستهای دزد سالارانه جمهوری اسلامی دمار از روزگار خانواده ها در آورده و موجب آن شده که بیش از ۵ میلیون دانش آموز از تحصیل باز مانده و خانواده های بیش از ۲ میلیون دانش آموز براساس آمار خود جمهوری اسلامی حتی توان خرید دفتر را نداشته باشند. سال گذشته شاهد خودکشی کودکان و نوجوانان سنین بین ۷ الی ۱۶ سال در پی بازماندن از تحصیل بودیم، فاجعه ای که در هیچ کشوری در دوران کرونا و تاکنون به این شکل دیده نشده است.

مسئله معیشتی به مشکل بزرگ طبقاتی جامعه معلمان، کارگران، دانشجویان و بطور کلی مزدبگیران بدل شده است که معلمان در این بین همواره با آن روبرو بوده و در سالهای گذشته روند نزولی خود را به سمت اعماق فلاکت و فقر را طی نموده اند. حقوق زیر گرسنگی معلمان کفاف زندگیشان را نمیدهد. سال جدید تحصیلی برای معلمان همچنین یادآور رنج و فلاکت خود و دانش آموزانشان است.

دانشجویان به عنوان بخش فعال مبارزات اجتماعی و سرنگونی طلبانه علاوه بر تمامی بگیر و ببند ها،

برابر سیاستهای حکومت با مطالبه گری و اعتراض حکومت اسلامی را به چالش کشید. در کل کشور رقمی حدود ۳۰ درصد مرحله اول واکسیناسیون را پشت سر گذاشته و حدود ۱۰ درصد مرحله دوم را انجام داده اند. لازم به ذکر است اکثریت واکسینه شدگان از واکسن های غیر معتبر استفاده کرده و تعداد زیادی نیز جان خود را از دست داده اند.

با تمامی این تفاسیر و اعمال واکسیناسیون برای افراد بالای ۱۸ سال و موج جدید کرونا موسوم به دلتا که کودکان زیر ۱۸ سال را نیز مبتلا به کرونا میکند، حکومت سعی میکند تا سال جدید تحصیلی را به صورت حضوری بازگشایی کند که با اعتراضات شدید سخن از بازگشایی در آبان به صورت حضوری میشود. سیاستهای سودجویانه حکومت که نتوانسته تحصیل مجازی دانش

آموزان را سازمان دهد راه چاره را در برگزاری حضوری سال تحصیلی میداند. اولیای دانش آموزان میدانند که شرایط کنونی کرونا و بهداشت مدارس خطرناکتر و فلاکتبارتر از سال گذشته بوده و طبیعتاً در شرایط کنونی در آستانه کرونا فشار هرچه بیشتر را بر آموزش و پرورش آورده تا مدارس تا برطرف شدن پیک کرونا بسته بمانند. در این راستا معلمان، اولیای دانش آموزان به همراه تشکل های مستقل دانش آموزی باید بر مطالبه گری خود در راستای خواست تامین لوازم و امکانات تحصیل اینترنتی همچون تبلت، تلفن هوشمند و کامپیوتر تاکید کنند و تا محقق نشدن آن دست از مطالبه گری خود برندارند.

معضل کرونا اما در دانشگاهها به گونه ای متفاوت روبروی جنبش دانشجویی قرار میگیرد. دانشجویان خواهان

واکسیناسیون عمومی و رایگان بوده و حکومت را مسئول ضربات مهلک به نظام آموزشی، سیاسی و اجتماعی دانسته و در این راستا خواهند کوشید تا حکومت در اسرع وقت واکسیناسیون را انجام دهد تا ضمن ادامه به سیر نرمال تحصیل پس از برطرف شدن پیک کرونا، بتوانند به تلاشهای صنفی-سیاسی خود در عرصه مبارزات دانشجویی ادامه دهند. دانشجویان از سال گذشته تاکنون در فضای اینترنتی و در سطح کلان جامعه به مبارزات خود ادامه دادند و نیاز به بازسازی فضای فیزیکی دانشگاه به عنوان سنگر آزادی خود دارند. جمهوری اسلامی باید سریعاً فضای عاری از کرونا را برای دانشگاه مهیا کند تا دانشجویان بتوانند به تحصیل و مبارزات خود در دانشگاه ادامه دهند.

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hk](https://t.me/wpi_hk) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

آموزان، معلمان، دانشجویان و اساتید دانشگاهها

۲. عدم برگزاری کلاسهای حضوری تا مقطع اجرای کامل واکسیناسیون همگانی و تجهیز همه مدارس و دانشگاهها به ملزومات استاندارد بهداشتی

۳. تامین فوری و رایگان تجهیزات فنی مورد نیاز آموزش آنلاین همچون تبلت، تلفن هوشمند، لپتاپ و اینترنت برای همه دانش آموزان، دانشجویان و معلمان

۴. رفع همه مشکلات فنی و زیرساختی آموزش آنلاین و ارتقاء کیفی آن برای تضمین برخورداری همه دانش آموزان و دانشجویان از آموزش آنلاین در همه نقاط کشور.

۵. پرداخت کمک هزینه های تحصیلی به دانش آموزان و دانشجویان که به ویژه در دوران کرونا فشارهای اقتصادی مضاعفی را تجربه می کنند.

۶. افزایش فوری حقوق و مزایای معلمان و کلیه کادرهای نظام آموزشی به حداقل ۱۲ میلیون تومان در ماه

۷. آموزش رایگان برای همه دانش آموزان و دانشجویان و الغای تمامی مناسبات پولی و مافیایی، شهریه ها و فساد تمام عیاری که نظام آموزشی را به گل نشانده و فشار بسیار زیاد اقتصادی به خانواده های دانشجویان و دانش آموزان وارد ساخته است.

دانشگاه سنگر آزادی و برابری

۱۷ شهریور ۱۴۰۰



کمترین میزان خود در مقایسه با سالیان قبل رسید؛ و نهایتا دانشجویان، معلمان و خانواده هایی که زیر بار فشارهای سنگین اقتصادی، کمرشان شکست.

اکنون و با آغاز شدن سال تحصیلی، بار دیگر دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و خانواده هایشان به میدان خواهند آمد و پیرامون مطالبات سراسری و گسترده معیشتی، آموزشی و سیاسی با جمهوری اسلامی وارد جدال خواهند شد. به چنین وضعیتی باید شرایط بغرنج شیوع کرونا را نیز اضافه کرد که با چنین روند فاجعه بار واکسیناسیون در کشور، مدارس و دانشگاهها را به قتلگاهی برای دانش آموزان، دانشجویان و معلمان تبدیل کرده و از این منظر مورد نگرانی و اعتراض گسترده عموم جامعه است.

لذا در آستانه بازگشایی دانشگاهها و مدارس، دانشگاه سنگر آزادی و برابری همه دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و خانواده های آنها را فرا می خواند که حول خواسته های زیر، پرچم اعتراض و مطالبه گری علیه حکومت اسلامی را بلند کنند:

۱. واکسیناسیون فوری، رایگان و مطمئن برای همه شهروندان از جمله دانش

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می شود که جامعه ایران با مشکلات عدیده ای که ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی است دست به گریبان است؛ بحران شیوع کرونا در دامن حکومت اسلامی روزانه جان صدها نفر از شهروندان را می گیرد؛ تورم، گرانی و فقر گسترده فشارهای معیشتی تحمل ناپذیری را به مردم تحمیل کرده؛ کمترین برنامه و استراتژی برای رفع مشکلات آموزشی و تامین رفاهی و بهداشتی برای بازگشایی مدارس نشده؛ و هزاران درد دیگری که حکومت اسلامی به مردم ایران تحمیل کرده است. شرایط اسفبار اجتماعی که جامعه علیه آن یک سره اعتراض است و دانشجویان، معلمان و دانش آموزان نیز بخش مهمی از آن را تشکیل می دهند.

سال تحصیلی جدید در حالی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز می شود که یک سال فاجعه بار تحصیلی را پشت سر دارد. سالی که در آن دهها هزار دانش آموز و دانشجو مجبور به ترک تحصیل شدند؛ چندین میلیون دانش آموز از آموزش مجازی یا محروم مانده یا به کمترین کیفیت ممکن از آن بهره بردند؛ تعداد قابل توجهی از دانش آموزان کم سن و سال دست به خودکشی زدند؛ سطح آموزشی دانشگاهها به



های عمومی از قبیل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فعالیت در تمام این حوزهها ضروری است، چیزی غیر از این برای مایذیرفتنی نیست محدودیت و ممانعت برای ما قابل پذیرش نیست.

چگونه ممکن است که با وضع قوانینی که در آن نه کرامت انسانی رعایت می شود نه حقوق زنان بتوان به عدل و انصاف رسید؟!

تجربه نشان داده است که حذف زنان با هر داعیه و دلیلی تنها به سقوط جامعه انجامیده است. هرگونه محدودیت قدمی برای فروپاشی اجتماعی و سیاسی است. محرومیت آموزشی، اقتصادی و سیاسی زنان نماد استبداد، تبعیض و خشونت است. ما نظامی را که ما را حذف می کند و حقوق ما را نادیده می گیرد نمی پذیریم.

حفظ حقوق زنان خواست ماست. ما خواهان حمایت و نظارت جامعه جهانی هستیم. ما خواهان اشتراک در تصمیم گیریهای کلان حکومتی هستیم. ما خواهان ادامه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود هستیم. ما خواهان بازگشایی مکاتب و دانشگاهها و برخورداری از تمام امکانات آموزشی هستیم. ما خواهان حق برخورداری از امنیت و آزادی هستیم.

ما زنان افغان بر آن شدیم تا اعلامیه ای در پیوند به تحولات اخیر کشور ترتیب دهیم. ما در این اعلامیه بر حقوق حقه خود تاکید کرده و خواهان حفظ این حقوق هستیم. ما زنان افغان در احقاق حقوق خود مصر، هماهنگ و استوار هستیم.

طی هفته های اخیر تاکنون خبری از امکان حضور زنان در ادارات دولتی و خصوصی، دانشگاهها و مکاتب عرصه های اجتماعی نیست. حضور زنان در متن جامعه با اما و اگر و اختلاف همراه است. حق تحصیل و کار، آزادی، حضور در عرصه های عمومی، فعالیت های اجتماعی و سیاسی و برخورداری از مصونیت و آزادی و امنیت همواره خواست ما بوده و هست. زنان باید در عرصه های سیاسی، اجتماعی و رهبریت حضور داشته باشند.

ما برای بدست آوردن و حفظ این مهم، سالها تلاش کرده ایم و چشم پوشی از آن محال است. ما اکنون در افغانستان با جمعیتی از زنان روبه رو هستیم که تحصیل کرده، آگاه و با ظرفیت اشتراک در جامعه هستند. با این جمعیت چه معامله ای خواهد شد؟ آیا این زنان به حاشیه رفته و نادیده گرفته خواهند شد؟! این برای ما غیر قابل قبول است.

حضور ما تنها در مکاتب، دانشگاه ها و مراکز صحتی ضروری نیست. ما زنان نیمی از جامعه افغانستان هستیم و حضورمان در عرصه

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۴

سعید حبیبی روز یکشنبه ۱۴ شهریور اعلام کرد: «ما واکسیناسیون دانشجویان دکتر را شروع کرده بودیم که دستوالعمل آمد، فعلا متوقف کنید.» این مسئول افزود که واکسیناسیون تزریق دوز اول واکسن کرونا برای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه تهران انجام شده و قرار جدید درباره دستور العمل واکسیناسیون توسط مسئولین ابلاغ خواهد شد.

در شرایط کنونی که کرونا به موج چندم خود در کشور رسیده است و دانشجویان همچون سایر بخشهای جامعه در دل خطر کرونا هستند وظیفه حکومت است تا واکسیناسیون دانشجویان را به بهترین شکل انجام دهد. در راستای این خواست باید فعالین دانشجویی و سایر بخشهای جامعه بر جمهوری اسلامی فشار بیاورد تا واکسیناسیون را بشکل عمومی و رایگان انجام دهد.



توقف واکسیناسیون دانشجویان

Twitter: @Barabari, Instagram: @barabari, Facebook: barabari, YouTube: Barabari

عکس هایی که تاریخی میشوند



این عکس گویای یک مبارزه عمیق و عادلانه و امیدبخش علیه جنبش بیرحم و ضد انسان اسلامی است. گویای شجاعت زنانی است که در جنگی نابرابر اما با احساس

حقانیت و امید به پیروزی سینه به سینه وحشی های طالبان ایستاده اند. مردم ایران با این صحنه ها بخوبی آشنا هستند و ماهیت این جنبش را ۴۰ سال است میشناسند و افسار بزرگی به آن زده اند. امروز بیش از هر وقت همبستگی میان زنان ایران و افغانستان و کل مردم ایران و افغانستان و عراق و لبنان و ... علیه دولت ها

و نیروهای مرتجع اسلامی. معنای واقعی یافته است. همبستگی را هرچه بیشتر تقویت کنیم.

زنده باد مبارزه مشترک ما برای آزادی، عدالت، رفاه و جامعه ای انسانی، فارغ از سرکوب و دخالت مذهب در زندگی مردم، فارغ از فقر و تبعیض و نابرابری

گزارش

گوشه ای از مبارزات زنان افغانستان علیه جنایتکاران طالبان!

راهپیمایی زنان #زنان_علیه_طالبان
در کابل افغانستان با شعار نه به بردگی، زنده باد آزادی
سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰

**افغانستان - مزار شریف - ششم سپتامبر**

شماری از زنان در مزار شریف با انجام راهپیمایی در سطح شهر علیه تبعیض و نابرابری جنسیتی دست به اعتراض زدند. در روزهای گذشته زنان در هرات و کابل نیز تجمعات اعتراضی برپا کردند. در خارج کشور نیز در شهرها و کشورهای مختلف تجمعات اعتراضی که زنان افغانستانی نقش مهمی در آنها دارند جریان دارد.

**طالبان با مقاومت و ایستادگی زنان روبروست. از این مبارزه آزادیخواهانه با تمام قوا باید حمایت کرد.
زنده باد زنان شجاع افغانستان**



ادامه گزارش ها از صفحه ۱۶

زنان #افغانستان : طالبان تجمع ما را با خشونت و تیراندازی سرکوب کرد.

روز چهارشنبه ۸ سپتامبر مصادف با ۱۷ شهریور زنان در کابل مجدداً علیه حکومت طالبان و سرکوب در جامعه دست به اعتراض زدند.



این تظاهرات کنندگان شعار می دادند: "هیچ حکومتی وجود زنان جامعه را انکار کرده نمی تواند"

"کابینه بدون زن بازنده است، بازنده است"

و همچنین ترانه «سرزمین من» را می خواندند.

زنان #افغانستان : طالبان تجمع ما را با خشونت و تیراندازی سرکوب کرد.

دو تن از زنان افغان از جمله مروه نوری، از شرکت کنندگان در #تجمع_اعتراضی در #کابل می گویند که #طالبان تجمع زنان برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی را با خشونت مورد برخورد قرار دادند و تیراندازی کرده اند. مروه نوری گفت طالبان باید بدانند که صدای عدالت خواهی زنان خاموش نخواهد شد.

انقلاب زبانه معتقد است همانطور که جمهوری اسلامی تا کنون با ریختن خون مردم نتوانسته از جنبش سرنگونی جلوگیری کند طالبان نیز نمی تواند با جنایاتش از سرنگونی به رهبری زنان افغانستان جلوگیری کند.

دو تن از زنان افغان از جمله مروه نوری، از شرکت کنندگان در #تجمع_اعتراضی در #کابل می گویند که #طالبان تجمع زنان برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی را با خشونت مورد برخورد قرار دادند و تیراندازی کرده اند. مروه نوری گفت طالبان باید بدانند که صدای عدالت خواهی زنان خاموش نخواهد شد.



تیراندازی طالبان متوحش

به معترضین در کابل

Telegram, Signal, WhatsApp 0046739681438

چادری نمیپوشم

این شعاری است که روی پلاکاردهای #زنان_علیه_طالبان نوشته شده

تصاویر مربوط به تجمع اعتراضی زنان در مزارشریف افغانستان، روز دوشنبه ۱۵ شهریورماه، علیه گروه تروریستی طالبان است.

در افغانستان زنان بر علیه طالبان به طور پیاپی در صفوف اعتراضی حاضر میشوند و این نشان میدهد که زنان هرگز حذف شدنی نیستند. بلکه هر چه اسلام سیاسی و نمایندگانش بخواهند زنان را زیر ضرب بگیرند، جنبش زنان علیه اسلام سیاسی بیش از پیش تقویت شده و در نهایت هم طالبان و هم مکتب ضدزن اسلام که در افغانستان طالبان آن را نمایندگی میکند به دست زنان سرنگون میشود!



حجاب اجباری ارزشی اسلامی که توسط زنان

افغانستان و ایران لگد مال میشود.

Telegram, Signal, WhatsApp 0046739681438

ادامه گزارش ها از صفحه ۱۷

یک روز پس از تظاهرات گسترده‌ی زنان در هرات، کابل، مزارشریف و بلخ، امروز تجمع اعتراضی در بدخشان شکل گرفت.

زنان بدخشان علی‌رغم سرکوب و ضرب و شتم توسط نیروهای تروریستی #طالبان، شعار آزادی سر دادند و خواهان پایان یافتن ارتجاع هستند.

انقلاب زنانه تماماً از اعتراضات به حق زنان علیه طالبان در #افغانستان حمایت می‌کند. زنان در شهرهای مختلف افغانستان به عنوان پیشروترین نیروها علیه طالبان این گروه تروریستی ایستاده‌اند. ترس زنان از توحش افسار گسیخته‌ی طالبان دیگر وجود ندارد و تبدیل به خشمی شد که طالبان را خواهد سوزاند.

زنان افغانستان جانانه در دفاع از حقوق زنان و نقش و جایگاه‌شان در جامعه ایستاده‌اند و می‌گویند "به عقب بر نمی‌گردیم"

#زنان_علیه_طالبان چه کابل چه مشهد!

روز سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ جمعی از فعالان زنان در مشهد، مقابل دفتر سازمان ملل در این شهر برای اعلام کردن همبستگی با زنان افغانستانی با در دست داشتن پلاکاردهایی تجمع کردند.
صدای مردم افغانستان باشیم / افغانستان را تنها نگذاریم



زنان معترض کابل باز هم به خیابانها آمدند!

یلدا حکیم، خبرنگار بی‌بی‌سی، نوشته با وجود آنکه دیروز طالبان تظاهرات زنان در کابل را «غیرقانونی» اعلام کرده امروز باز هم این زنان برای یک اعتراض دیگر بیرون آمده‌اند.

در گزارش دیگر از مدیای افغانستان آمده: یک روز پس از اعلام دولت طالبان در افغانستان، چند منطقه شهر کابل و نیز فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، روز چهارشنبه مجدداً شاهد تظاهرات دختران و زنان بود.



اطلاعیه های حزب

۱۸ شهریور روز "مبارزه برای حق ورود زنان به استادیوم"



بزرگی بر دل وجدانهای بیدار گذاشت، اما یاد او هرگز از بین نرفت و آنچه در تاریخ مقاومت زنان ایران در برابر نظام نرینه سالار و بردگی جنسی ثبت شد پرچمی بود که این زن مبارز بلند کرد.

روز ۱۸ شهریور ۱۳۹۸ روزی است که زن جوانی به نام "سحر خدایاری" با هزاران امیدها و آرزوهای سوخته پس از روزها تحمل درد و رنج از خودسوزی در مقابل ساختمان بیداد سرای تهران، جان خود را از دست داد.

سحر جان خود را از دست داد تا جهان از رنج زنان ایران تحت حاکمیت اسلامی به سخن آید. جان باختن سحر خدایاری بار دیگر مهر تاییدی بر این واقعیت زد که خشونت علیه زنان در ایران خشونتی ساختاری؛ قانونی، دولتی و قضایی، و در یک کلام حکومتی و جزء جدایی ناپذیر جمهوری اسلامی است.

سحر خدایاری که به دلیل حمایت از تیم استقلال به "دختر آبی" مشهور شد، یکی از میلیونها زن در ایران بود که تحت سیطره حکومت زن ستیز اسلامی، از ورود به استادیوم ها منع شده اند.

بدینوسیله ما امضا کنندگان این بیانیه با گرامیداشت یاد سحر خدایاری، زنی که تبدیل به یکی از نمادهای مبارزه علیه حکومت آپارتاید جنسی شد، به پاس مبارزات زنان ایران علیه ممنوعیتهای و محرومیت های زنان، علیه بردگی جنسی، علیه هرگونه سلب اختیار از زنان و علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی، روز ۱۸ شهریور را روز "مبارزه برای حق ورود زنان به استادیومها"، اعلام و ثبت میکنیم، تا باشد این روزی که نقطه عطفی در جنبش نوین رهایی بخش زن در ایران است، روزی برای ارج نهادن به مبارزه زنان و روزی برای اعتراض

ورود به استادیوم ها که بخشی از اماکن عمومی جامعه هستند، سالهاست به روی زنان ایرانی بسته است. و سالهاست که دختران بسیاری برای داشتن حق و سهم از این مکان عمومی، مسیر پر خطری را تا از دست دادن جان خود تا کنون طی کرده اند.

خودسوزی و پرواز جگر سوز سحر فقط در اعتراض به دستگیری و حکم بازداشت به دلیل ورود به استادیوم نبود، بلکه خشم فروخورده و سالها در گلو مانده زنان ایران برای بیش از چهار دهه زن ستیزی بود.

سحر به آرزویش نرسید، سحر جان خود را از دست داد و داغ

- گسترده علیه آپارتاید جنسیتی حاکم، در تقویم تاریخ مبارزات زنان ایران ماندگار گردد.
۱. شیرین شمس، مسئول نهاد انقلاب زنانه
۲. دریا صفایی فعال حقوق زنان و نماینده پارلمان بلژیک
۳. زینب صحافی، مشهور به زینب پرسپولیسی
۴. نرگس منصوری، کنشگر حقوق زنان امضا کننده بیانیه ۱۴ برای برکناری علی خامنه ای و گذار از جمهوری اسلامی
۵. نسرين افضلى، فعال حقوق زنان
۶. شیوا امینی، بازیکن سابق تیم ملی فوتسال ایران
۱۵. شادی امینی، خواننده
۷. سام رجبی، بازیکن سابق تیم ملی ایران
۸. وحید سرلک، ملی پوش جودو
۹. رقیه بیکدلی، فعال حقوق زنان
۱۰. رادا مردانی، فعال دانشجویی و معلم، زندانی سیاسی سابق
۱۱. رضوانه خان بیگی، کنشگر اجتماعی و زندانی سیاسی زن
۱۲. مینا احدی، فعال حقوق زنان
۱۳. جاستینا، رپر ایرانی
۱۴. مهدی موسوی، شاعر و نویسنده
۱۵. شادی امینی، خواننده
۱۶. نعیمه دوستدار، فعال حقوق زنان
۱۷. شیوا محبوبی، فعال حقوق زنان
۱۸. شاپرک شجری زاده، فعال حقوق زنان
۱۹. شقایق نوروزی، فعال حقوق زنان
۲۰. علی قلی لو، زندانی سیاسی سابق و فعال اجتماعی
۲۱. فاطمه اختصاری، شاعر و نویسنده

تهدید نظامی حکومت اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون و مردم در کردستان عراق محکوم است

اسلامی اعتراض کنند و احزاب حاکم را برای مقابله با جمهوری اسلامی و جلوگیری از حمله به نیروهای اپوزیسیون و خطرانی که مردم منطقه را تهدید میکند تحت فشار قرار دهند.

اپوزیسیون توسط جمهوری اسلامی نمونه ای بارز و برجسته از عکس العمل و جواب کوبنده مردم به تهدیدات نظامی و تروریسم حکومت اسلامی بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۴۰۰، ۷ سپتامبر ۲۰۲۱

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری تهدیدهای نظامی سپاه پاسداران علیه احزاب اپوزیسیون در خاک عراق را قویا محکوم میکند و از مردم عراق و کردستان عراق میخواهد علیه مماشات و همکاری احزاب حاکم در این کشور با جمهوری

ایم. مماشات احزاب حاکم در عراق و کردستان عراق با جمهوری اسلامی این حملات را امکانپذیر کرده است.

اما مردم کردستان علیه این جنایات بارها در اشکال اعتصاب و مبارزه نظامی و یا با پیوستن به احزاب اپوزیسیون عکس العمل نشان داده اند. اعتصاب عمومی ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ در کردستان ایران علیه اعدام سه مبارز سیاسی و توپ باران و خمپاره باران اردوگاههای احزاب

دهه گذشته حملات نظامی و تجاوزگرانه همراه با ترور مخالفین و نیروهای سرنگونی طلب بخشی از سیاستهای راهبردی تروریسم حکومت اسلامی بوده است.

ما بارها شاهد حملات و لشکرکشی های نظامی تا عمق مناطق کردستان عراق علیه احزاب سیاسی در کردستان عراق و شاهد توپ باران و موشک باران مقرهای احزاب اپوزیسیون در این منطقه بوده

محمد پاکپور، فرمانده جنایتکار نیروی زمینی سپاه پاسداران روز دوشنبه ۱۵ شهریور احزاب مخالف جمهوری اسلامی در کردستان عراق را تهدید به حمله کرد و از ساکنان اقلیم کردستان خواست از مقرهای این احزاب فاصله بگیرند تا آسیبی متوجه آنها نشود.

تهدیدهای نظامی و اقدامات تروریستی سپاه قدس و حکومت اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون تازه نیست. در چهار

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در شمال امریکا

برگزاری سمینار اعضا و کادرهای حزب در روز یکشنبه ۲۹ اگوست ۲۰۲۱ در شمال امریکا تنها گوشه‌ای از فعالیتهای پرشور تشکیلات خارج کشور حزب را به نمایش گذاشت.

کنفرانس با حضور اکثریت پرشور اعضا و کادر های حزب، حمید تقوایی لیدر حزب، اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران حزب و سیاوش مدرسی دبیر کمیته خارج و میهمانان در حالی برگزار شد که شور و هیجان و عزم جزم تک‌تک شرکت کنندگان به مبارزه در راه سرنگونی نظام سیاه اسلامی و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و سوسیالیستی در

لحظه به لحظه کنفرانس موج میزد.

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در بررسی برآمد جنبش سرنگونی نظام اسلامی در ایران و جدایی‌ناپذیری مبارزه در داخل و خارج از کشور، سیاستها و راهکارهای هدایت این جنبش در داخل و خارج از کشور با تکیه به جمع‌بندی از پراتیک مبارزاتی در داخل و خارج کشور روشنائی و جهت‌گیری تشکیلات خارج کشور را روشن میکرد و شرکت کنندگان با مشارکت در بحثها و بررسی گزارشهای تشکیلاتی دبیران و نهادهای مورد حمایت حزب به غنای بحثها و تجارب

فردی و جمعی عزیزان کمک میکرد، پخش کلیپ هایی از فعالیت عزیزان ما در آمریکای شمالی، کارنامه برپار این بخش از تشکیلات را پیش چشم میگذاشت و به سهم خود هیجان و اشتیاق را دامن میزد.

مشارکت مهمانان در بحثها و پیشنهاد تشکیل گروه موسیقی و سازمان دادن کانال تلویزیونی همراه در شمال امریکا، تنها گوشه‌هایی از فضای گرم و خلاقانه کنفرانس بود.

کنفرانس با پوشش دادن و مشارکت اعضا و کادرهای حزب در کشور امریکا به تشکیلات

شمال آمریکای حزب رسمیت داد و اعضا کمیته‌های شرق و غرب کانادا را انتخاب کرد.

رفقا داود آرام، سهیلا دالوند، ایرج رضائی، امیر زاهدی، کیا صابری، هه ژار علیپور، مهران محبوبی، یدی محمودی، بابک یزدی به عضویت کمیته شرق و رفیق بابک یزدی بعنوان دبیر کمیته شرق انتخاب شدند.

و رفقا مسعود آدرنوش، مینا بهروزی، سلیمان سیگارچی، جمال صابری، ابی صادقی، فهیمه صادقی، عباس ماندگار و سعید مدانلو از امریکا، بعنوان اعضای کمیته غرب کانادا

انتخاب و رفیق عباس ماندگار بعنوان دبیر کمیته غرب کانادا انتخاب شدند.

کنفرانس ۲۹ اگوست تشکیلات شمال امریکا بسیار موفق بود! کنفرانس در عین بررسی دوره گذشته چشم‌انداز موثرتری از فعالیت‌های دور آینده تشکیلات خارج کشور و تشکیلات شمال امریکا را نوید داد.

کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ۷ سپتامبر ۲۰۲۱

حمایت ها و همبستگی های جهانی با کارگران اعتصابی نفت

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود

در گوگل میت برگزار میکنند که شماری از امضا کنندگان این نامه از سخنرانان آن خواهند بود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) (Free Them Now! (FTN

۱۴ شهریور ۱۴۰۰، ۵ سپتامبر ۲۰۲۱

اتحادیه خدمات بهداشتی جامعه در ونکوور کانادا، ریتا مالیا دبیر کل ایالت نیوسات ولز استرالیا اتحادیه کارگران ساختمانی جنگلداری، دریانوردی، معدن و انرژی، متن کامل نامه ضمیمه است.

لازم به یادآوریست که در همین رابطه در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱ فری دم ناو کنفرانسی آن لاینی

کل شورای کارگری ونکوور و حومه (VDLC)، جان کلارک کمپینر و استاد دانشگاه در کانادا، سمیر نوری سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در عراق، جوزف داهر استاد دانشگاه روزان و یکی از رهبران حزب سولیداریتی چپ سوئیس، پیتر تاچل مدیر بنیاد پیتر تاچل و کمپینر سیاسی در انگلستان، مسعود ارزنگ دبیر لوکال ۸۰۳

کنندگان این نامه عبارتند از: پل کیتینگ رئیس واحد سیدنی اتحادیه کشتیرانی در استرالیا، اریک لی بنیانگذار سایت بین المللی کارگری لیبر استارت، استفانی اسمیت، رئیس اتحادیه کارگران خدمات عمومی بریتیش کلمبیا - کانادا (BCGEU)، سعید نعما دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق، استفان وان سیچوفسکی دبیر

شماری از اتحادیه ها و فدراسیونهای کارگری جهانی و کمپینر های سیاسی شناخته جهانی در پاسخ به نامه فری دم نام حمایت خود را از کارگران اعتصابی در ایران اعلام کرده و ضمن محکوم کردن سرکوبگری های وحشیانه جمهوری اسلامی بر اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و بایکوت بین المللی تاکید کردند. امضا

تجمع اعتراضی کارگران پروژه‌های اعتصابی نفت مقابل مجلس اسلامی

گیری و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران جهت مذاکرات با پیمانکاران تاکید دارد. تجربه هفشجان در این راستا یک الگوی بسیار پیشرو و مناسب است و باید آنرا در سراسر مراکز نفتی تکثیر کرد.

۱۷ شهریور ۱۴۰۰، ۸ سپتامبر ۲۰۲۱

بالارفتن استاندارد کمپها و غذا در حد قابل قبول و ایمنی محیط کارشان هستند. مطالبه اصلی کارگران پروژه ای اعتصابی نفت حذف پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستها و مطالبات کارگران اعتصابی پروژه ای نفت بر تشکیل مجمع عمومی بعنوان محل تصمیم

بلند کردند. افزایش حقوق بر اساس بالاترین توافقات مزی که توسط برخی از کارگران اعتصابی با پیمانکاران در رده های مختلف شغلی صورت گرفته است و اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد خواستهای محوری این کارگران است. کارگران نفت همچنین خواستار

افزایش دستمزدها و بیست روز کار و ده روز مرخصی که از خواستهای آنها در اعتصاب است، تاکید کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران با شعار کارگر میمیرد، ذلت نمی پذیرد صدای اعتراض خود را به وضع بد معیشتی، نداشتن امنیت شغلی و قراردادهای برده وار پیمانی و شرایط بد کمپها و وضعیت معیشتی شان در مناطق نفتی

بنا بر خبرهای منتشر شده امروز ۱۷ شهریور جمعی از کارگران پروژه‌های نفت در هشتاد و یکمین روز اعتصاب خود برای پیگیری خواستهایشان و تاکید بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستهایشان مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند.

این کارگران بر روی دست نوشته هایشان بر روی خواست

کارگران نیشکر تپه نظارت شورایی را اجرایی میکنند

اخراج مدیران بازنشسته فاسد و پلمب کردن درب مدیریت

تخطی کند با کارگران روبرو خواهد شد و عواقب آن بعهدده

ادامه در صفحه ۲۱

کردند که تا زمانی که مدیریت جدید مشخص نگردد هیچ مکاتبه ای قابل قبول آنان نیست و هر کس از تصمیم کارگران

ندارد که نامه ای با مهر شرکت، از جمله خرید و فروش، و صدور دستور و غیره را صادر کند. در این تصمیم گیری کارگران تاکید

شرکت بصورت جمعی تصمیم به پلمب کردن درب دپارتمان مدیریت کارخانه را گرفتند و اعلام کردند که هیچ فردی حق

روز ۱۵ شهریور کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به ادامه حضور دست نشاندگان اسدیگی مالک خلع بد شده این

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۰

ی آن شخص خواهد بود.

در این روز کارگران نیشکر هفت تپه همچنین علیه صدور حکم اخراج رفعت جویکی از مدیرانی که با کارگران همراهی کرده بود، توسط آمیلی که نمایندگی نام الاختیار اسدیگی را برعهده داشته است، دست به اعتصاب زدند.

در این روز کارگران همچنین یکی از این مدیران باند اسد بیگی به اسم علامه را از دفتر مدیریت اطاق بیرون کردند و اعلام داشتند که از فردا حق حضور در شرکت را ندارد. همچنین در راستای تصمیم

مجمع عمومی کارگران در این روز کارگران نیشکر هفت تپه با کف زدن و راهپیمایی به سمت هفت تپه بالا بطرف مهمانسرا و منزلی که صابریان برکنار شده در آن اسکان داشت رفته و دفتر وی را هم پلمب کردند. صابریان قبل از پلمب دفترش از ترس حضور کارگران، از شرکت فرار کرده بود. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که فردا درب مدیریت کشاورزی و امور اداری نیز بسته میشود و سپس با باز کردن دفتر مدیریت بجای مدیرانی که بیرون کرده اند مدیران منتخب خود را جانشین میکنند.

کارگران نیشکر هفت تپه

میگویند اکنون که دولت حاضر نیست هیئت مدیره و مدیر عامل جدید در این شرکت را مشخص کند، خود به صورت شورایی امور را سرپرستی کرده و مدیران بازنشسته فاسد باند اسدیگی را از شرکت بیرون کرده و میگویند رئیس هر بخش باید توسط کارگران همان بخش انتخاب شود.

بدین ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه امروز عملاً امور اجرایی شرکت را تحت نظارت شورایی خود در آورده و برگ جدیدی در تاریخ جنبش کارگری آفریدند. این کارگران اعلام کرده اند که با برپایی مجمع عمومی مجمع

قرارداد کارگران غیر نیشکری و دفع آفات، بسته شدن پرونده های امنیتی از جمله پرونده فرزانه زیلایی وکیل این کارگران و آزادی سپیده قلیان از حامیان نیشکر هفت تپه از جمله خواسته های اعلام شده آنان است. این کارگران بر ساماندهی و منظم کردن مساله کشت و احیای کارخانه و انتخاب مدیران هر بخش با نظر کارگران همان بخش تاکید دارند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ شهریور ۱۴۰۰، ۶ سپتامبر
۲۰۲۱

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

تجمع اعتراضی کارکنان پتروشیمی بندر امام و اخبار دیگری از نفت

روز ۱۶ مرداد کارکنان پتروشیمی بندر امام که سال گذشته زیر نظر شرکت عملیات غیر صنعتی بندر ماهشهر قرار گرفتند، در اعتراض به بدتر شدن شرایط شغلی و معیشتی خود مقابل پتروشیمی بندر امام تجمع کردند و خواستار بازگشت مجدد به این شرکت و بهبود شرایط کاری و معیشتی خود شدند.

بنا بر اخبار منتشر شده دیگری از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بخشی از کارگرانی که در برابر وعده های پیمانکاران به کار برگشته اند، در برابر خلف وعده ها دوباره به اعتصاب بر میگردند. از جمله بنا بر خبری هفته گذشته ۱۳۰ نفر از کارگران در شرکت pomc فاز ۱۳ پیمانکار مجتمع گاز به دلیل عدم شفافیت قرارداد و کمبود امکانات خدمات رفاهی و تردد ۱۴،۱۴ مقابل ساختمان اداری تجمع شرکت کردند. همچنین طبق خبر دیگری کارگران شاغل در فاز ۱۴ شرکت تناوب در وینت ۱۴۷ بخاطر زدن زیر وعده های داده شده توسط پیمانکار در رابطه سطح مزد توافق شده تصمیم به تعطیل کار و بازگشت به اعتصاب را گرفته اند. قبلاً نیز کارگران در پتروشیمی کاویان عسلویه و در شرکت ODCC پالایشگاه اصفهان به همین دلیل به اعتصاب برگشتند.

بدین ترتیب اعتصاب در نفت ادامه دارد و کارگران بر روی خواسته های خود مصر هستند. افزایش دوبرابری دستمزدها، ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، پرداخت بموقع دستمزدها و تسویه حساب طلبیهای کارگران، بازگشت به کار کارگران اخراجی، داشتن امنیت شغلی و دائمی شدن قرار دادها، واکسیناسیون فوری و همگانی، پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار و توقف قرار دادن کارگران معترض در لیست سیاه، بالا بردن استانداردها و کیفیت غذای کارگران در حد قابل قبول از جمله خواسته های اعلام شده کارگران اعتصابی در نفت است. این کارگران خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی هستند.

تجمع کارگران شرکتی مخابرات و دو خبر دیگر

روز سه شنبه ۱۶ شهریور جمع هایی از کارگران شرکتی مخابرات با خواست دائمی شدن قراردادهایشان دست به تجمع زدند. هم اکنون بخش عظیمی از کارگران و بخش های مختلفی چون معلمان و پرستاران بصورت پیمانی کار میکنند و کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار به یک مطالبه سراسری کارگری تبدیل شده است. اعتصاب سراسری نفت با تاکید بر همین خواست به مبارزه برای

جمع کردن بساط پیمانکاران قدرت بیشتری داده است.

روز سه شنبه ۱۶ شهریور جمعی از قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش و پرورش که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده میشوند برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع برگزار کردند. خواست آنها استخدام فوری در آموزش و پرورش است و تا کنون تجمعات متعددی بر سر این مطالبه داشته اند.

روز ۱۵ شهریور جمعی از معلمان و فرهنگیان ورامین در اعتراض به مشکلات تعاونی مسکن در مقابل شهرداری دست به تجمع زدند. بیش از ۲۵ سال است که به این معلمان زمین واگذار شده و هر بار به بهانه های مختلف و با وعده های دروغین اقدام به کاهش متراتژ زمینهای واگذار شده میکنند. معلمان به بساط دزدی و چپاول در این تعاونی اعتراض دارند.

فراخوان معلمان به تجمع در مقابل مجلس، تجمع پذیرفته شدگان آزمون استخدامی نفت سنگین پالایشگاه قشم، و چند خبر دیگر

با نزدیک شدن آغاز سال تحصیلی جدید اعتراضات معلمان از سر گرفته میشود.

نمایندگان خود را برای نظارت بر امور اداری شرکت تعیین خواهند کرد. بعلاوه هر ماهه مجمع عمومی خود را برگزار کرده و گزارش عملکرد نمایندگانشان را خواهند گرفت و در هر روز قبل از شروع کار و بعد از آن بر سر امور جاری مجمع عمومی خواهند داشت و تصمیم گیری خواهند کرد. آنچه امروز در نیشکر هفت تپه میگذرد گذاشتن سنگ بنای شورای واقعی کارگران است.

کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند. پرداخت بموقع دستمزدها و دو ماه دستمزد معوقه آنان، بازگشت به کار کارگران اخراجی، تمديد

معلمان برای پیگیری مطالبات خود برای ساعت ده صبح روز یکشنبه ۱۴ شهریور ماه به تجمع سراسری در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده اند. همسان سازی حقوقها با حداقل ۸۰ درصد هیئت علمی، جداسازی نظام پرداخت معلمان از کارمندان و ایجاد نظام پرداخت جدید مبتنی بر سند تحول، اعتراض به عدم پرداخت فوق العاده ویژه از جمله موضوعات اعتراضی اعلام شده در این فراخوان است. همسان سازی مشاغل و افزایش سطح دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون، درمان و تحصیل رایگان برای همه، واکسیناسیون رایگان و همگانی، پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای تمامی فعالین اجتماعی و آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی از جمله خواسته های اعتراضی معلمان است که در تجمعات اعتراضی بر آنها تاکید کرده اند. معلمان به اختلاس ها و دزدی ها اعتراض دارند و خواستار بازگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته از صندوق ذخیره فرهنگیان هستند. از خواسته ها و مطالبات معلمان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

روز شنبه ۱۳ شهریور تعدادی از پذیرفته شدگان

آزمون استخدامی نفت سنگین پالایشگاه قشم در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت استخدامی خود، در مقابل ساختمان شرکت تابان انرژی پاسارگاد تجمع کردند.

روز ۱۳ شهریور جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان طبق فراخوان از پیش اعلام شده مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. در این تجمع آموزشیاران معترض با شعارهای "تهنیتی داد بزن حق تو فریاد بزن"، "ما در راه آموزش عمر و جوانی دادیم"، "تهنیتی میمیرد تبعیض نمی پذیرد"، "دانشگاه فرهنگیان حق مسلم ماست صدای اعتراض خود را بلند کردند.

روز ۱۳ شهریور جمع زیادی از قبول شدگان آزمون استخدامی آموزش و پرورش که اصطلاحاً کارنامه سبز نامیده میشوند در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع برگزار کردند. در این رابطه این معلمان از سال گذشته تجمعات متعددی برگزار کرده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ شهریور ۱۴۰۰، ۸ سپتامبر
۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۳۱

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، (Free Them Now) برگزار میکند:**کنفرانس آن لاین در همبستگی با کارگران اعتصابی نفت و علیه سرکوبگری های حکومت****زمان: یکشنبه ۱۲ سپتامبر**

ساعت ۶ بعد از ظهر به وقت انگلیس، نه و نیم به وقت ایران

این کنفرانس آن لاین و در گوگل میت برگزار میشود**سخنرانان در کنفرانس :**

- **شهلا دانشفر**، سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی
- **کاظم نیکخواه**، مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی
- **سعید نعمت**، دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق
- **جان کلارک**، کمبیر و استاد دانشگاه در تورنتو - کانادا
- **سمیر نوری**، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در عراق
- **جوزف داهر**، استاد دانشگاه روزان و یکی از رهبران حزب سولیداریتی چپ سوئیس
- **اریک لی**، بنیانگذار سایت بین المللی کارگری لیبراستارت
- **شیوا محبوبی**، سخنگوی کمیته مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی
- **پیتر تاچل**، مدیر بنیاد پیتر تاچل و کمبیر سیاسی
- **مسعود ارژنگ**، دبیر لوکال ۸۰۳ اتحادیه خدمات بهداشتی جامعه در ونکوور کانادا
- **تهمینه صادقی**، عضو کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی در ونکوور و حومه
- **بهرام سروش**، هماهنگ کننده کمپین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی

پیامها:

- **استفان وان سیچوفسکی**، دبیر کل شورای کارگری ونکوور و حومه (VDLC)
- **استفانی اسمیت**، دبیر کل اتحادیه کارگران و کارکنان خدمات دولتی در بریتیش کلمبیا "بی سی جی ای یو"
- **حسن صالحی**، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

جمهوری اسلامی باید از "آی ال او" اخراج و در سطح جهان بایکوت شود**ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: رضا مرادی****anternasional@yahoo.com**

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

انترناسیونال**نشریه حزب کمونیست کارگری ایران****سردبیر: شهاب بهرامی**